



## ابزارهای نوین تامین مالی

سید عبدالحمید ثابت \*



## چکیده

اساساً مسأله تحریم ربا به‌عنوان یکی از مبانی اصولی نظام اقتصادی اسلام امری است که به‌طور سلبی مطرح بوده و مسلم است که حذف ربا به‌نحو ایجابی به اندیشه و طرحی خاص اشاره نمی‌نماید. براین اساس تلاش در جهت برداشتن گام‌هایی فراتر از حذف ربا در راستای ایجاد مبانی استوار برای نظام پولی، مالی و بانکی غیر ربوی ضروری و اجتناب ناپذیر است. بدیهی است این امر مهم، لازم است به‌گونه‌ای باشد که اولاً متکی بر فقه پویای اسلامی بوده و ثانیاً قابلیت‌های لازم را برای اجرایی شدن داشته و ثالثاً از کارایی در خور و شایسته جهت کمک به تأمین اهداف مطلوب اقتصادی جامعه برخوردار باشد. یکی از آثار و ابعاد مهم این امر می‌تواند، طراحی ابزارهای تأمین مالی باشد. در این زمینه تاکنون مساعی متعدد و قابل تقدیری صورت پذیرفته است. یکی از این موارد تصویب قانون بانکداری بدون ربا و متعاقب آن تلاش برای تکمیل ابزارهای مالی پیش‌بینی شده در آن است. یک پیشنهاد در این راستا، ارائه پایه و بنیانی جدید برای ایجاد نظام پولی، مالی و بانکی به‌صورتی کارآمد و غیر ربوی و نیز توجه به نقش بی‌بدلیل تنزیل (بیع دین) اسناد مالی است. نقش تنزیل که در این مقاله به آن پرداخته شده است را می‌توان در طراحی ابزارهای نوین تأمین مالی، یک پایه، محکم و متین تلقی کرد.

**واژه‌های کلیدی:** تأمین مالی، بخش پولی، دین، بیع دین، بیع دین به دین، تنزیل، قرض و ربا.

## ۱- مقدمه

این مقاله ابتدا اشاره کوتاهی خواهد داشت به مشکلات فرا روی بعضی از طرح‌های دیگری که تاکنون ارائه و یا اجرا گردیده است. سپس ویژگی طرح پیشنهادی از نقطه نظر استدلال اقتصادی و فقهی مطرح خواهد شد. در مرحله بعدی بحث اصلی به اجرایی نمودن طرح پیشنهادی و نحوه طراحی ابزارهای نوین تأمین مالی براساس آن و کیفیت ایفای نقش آن در بخش پولی، مالی و بانکی معطوف خواهد شد. در نهایت توانمندی‌ها و کارکردهای مطلوب عملی پیشنهاد مورد نظر را مورد بحث گذارده و برای پیاده نمودن آن پیشنهادهای اجرایی مشخصی ارائه خواهد شد.

مباحث مقاله مشتمل بر بخش‌های ذیل می‌باشد: ضرورت توجه به مسأله، بستر مناسب گستردگی دیون، جایگاه بیع‌دین (تنزیل اسناد مالی) در اقتصاد بدون ربا، برنامه پیشنهادی برای ارائه ابزارهای نوین تأمین مالی و بحث و بررسی فقهی موضوع بیع دین.

## ۲- ضرورت توجه به مسأله

اهمیت نقش بانک در عصر کنونی واضح است و یکی از نقش‌های آن واسطه‌گری مالی بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران است. این نقش می‌تواند اهمیت شایانی در کمک به تشکیل سرمایه داشته باشد.<sup>۱</sup> به بیانی دیگر، وظیفه اساسی بانک‌ها، تجهیز و تخصیص پول و متفرعات و اوراق جایگزین آن است که با قبول سپرده‌ها و دادن وام عملی می‌گردد.<sup>۲</sup> این نقش، ضرورتی حیاتی برای اقتصاد جامعه و ادامه حیات بالنده آن دارد، ضمن آن‌که، ایفای آن مورد انکار و نهی اسلام نمی‌باشد بلکه آنچه مهم است پایه و اساس و کیفیت ایفای این نقش است. اسلام مخالف اندیشه بانک و بانکداری نیست البته مادامی که مخالف کتاب و سنت و ارزش‌ها نباشد بلکه مخالفت اسلام با بانکداری ربوی مبتنی بر نرخ بهره است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> احمد حسن اشرف، ۱۹۹۹.

<sup>۲</sup> محمود محمد بابلی، ۱۹۸۲.

<sup>۳</sup> احمد حسن اشرف، ۱۹۹۹.

در اقتصادهای مبتنی بر ربا و بهره، نظام مالی و ابزارهای مربوط عموماً بدون هرگونه محدودیتی، براساس نقش نرخ بهره شکل گرفته و در طول زمان و مطابق با نیازهای زمان و جامعه، مراحل تکامل و پیشرفت خود را طی نموده است. در این سیر تکاملی، نظام مالی مانند هر نظام دیگر ساخته دست انسان، با حفظ پایه و اساس خود که همان بهره و ربا باشد، تغییرات و تحولات مختلفی را شاهد بوده که به دلیل پیشرفت جوامع و پدیدار شدن نیازهای جدید، امری اجتناب‌ناپذیر بوده است.

همچنان که می‌دانیم اسلام به‌طور قاطع و شدید با ربا و مظهر امروزی آن بهره، مخالفت نموده و آن را به‌صورت کامل و در هر شکلی تحریم می‌نماید. اما این که به همین برخورد منفی اکتفا گردد، نظری نسنجیده و غیر علمی است.

گرچه درک عامه از نظام اقتصادی و مالی اسلام این است که این نظام تنها در تحریم ربا با سایر نظام‌ها تفاوت دارد<sup>۱</sup>. اما به‌نظر می‌رسد که برخورد منفی با یک پدیده ناپسند، گرچه ضروری است ولی به‌تنهایی کافی نبوده، و علاج کار نمی‌باشد.

بنابراین تحریم معاملات مبتنی بر بهره، اساس یک نظام اقتصادی اسلامی را تشکیل می‌دهد، اما به‌هیچ وجه توصیفی کامل و کافی از کل این نظام به‌دست نمی‌دهد<sup>۲</sup>. در نتیجه تلاش در جهت ارائه راه‌ها و روش‌های علمی جایگزین که اساس یک تعامل مثبت را شکل می‌دهد، مد نظر اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان قرار گرفته و البته در این خصوص، توجه اصلی به نظام بانکی معطوف گردیده است. از آنجایی که حذف نرخ بهره عموماً نخستین گام در اسلامی کردن اقتصاد در کشورهای مسلمان تلقی شده است، لذا طبیعی به‌نظر می‌رسد چگونگی بانکداری بدون بهره، بیشترین توجه را به‌خود معطوف نماید<sup>۳</sup>. برای داشتن یک نظام پولی مالی اسلامی، باید گام‌هایی فراتر از حذف ربا برداشت و تلاش نمود تا به یک پایه و اساس محکم

<sup>۱</sup> خان و میرآخور، ۱۳۷۰.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> همان.

برای چنین نظام و سیستمی دست یافت که مبتنی بر فقه اسلامی بوده و در عین حال قابلیت‌های لازم را برای اجرایی و عملی شدن رقابت در دنیای امروز را نیز داشته باشد. موضوع بانکداری اسلامی و پی‌ریزی یک اساس شرعی برای آن، مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است و راه‌هایی نیز ارائه گردیده که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

- روش جبران کاهش قدرت خرید پول در عملیات بانکی بدون ربا
- روش وام متقابل در بانکداری بدون ربا
- روش نظام بانکی غیر ربوی مبتنی بر نرخ سود یا نرخ بازگشت سرمایه (نظام مشارکتی)<sup>۱</sup>

نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، براساس روش سوم استوار است و تاکنون از جهات مختلف نظری و عملی - کاربردی و نیز انطباق عملیاتی آن با موازین شرع، مورد بررسی و مطالعه و بعضاً نقد قرار گرفته است. مهم‌ترین انتقادهای آن را می‌توان در چند محور خلاصه نمود:

- در نظام موجود از جهت عملکردی، انطباق با موازین شرع رعایت نمی‌شود.
- در بخش‌هایی هم که به‌ظاهر، به عقود اسلامی عمل می‌گردد، تنها یک امر قالبی و شکلی است و لذا روح ربا و بهره در نظام بانکی فعلی هنوز پنهان است.
- تبدیل بانک از یک واسطه مالی و مؤسسه پولی به یک شرکتی که بایستی با بسیاری از کارهای تجاری و تخصصی آشنا باشد. درحالی که چنین امری نه به‌راحتی امکان‌پذیر است و نه در عمل اتفاق افتاده است. ضمن آن که اگر هم عملی شود، دیگر بانک اسلامی، تحقق نیافته بلکه به‌جای آن شرکت تخصصی دارای فنون و مهارت‌های مختلف، ایجاد گردیده است. برای ملاحظه اشکالات دیگری که در این زمینه مطرح شده می‌توان به منابع مربوط مراجعه کرد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> میرجلیلی، ۱۳۷۴.

<sup>۲</sup> میرجلیلی، ۱۳۷۴ - میرآخور و زوبیر، ۱۳۶۷ - خان و میرآخور، ۱۳۷۱.

در نظام مشارکتی بانکداری غیر ربوی، تنزیل و بیع دین، تنها به‌عنوان یکی از ابزارها، همانند تنزیل در نظام‌های بانکداری ربوی مطرح بوده<sup>۱</sup> و در این خصوص مباحثی نیز مطرح گردیده است.<sup>۲</sup> براساس این ابزار و نحوه کارکرد آن در نظام بانکی ابزار دیگری تحت عنوان تنزیل مجدد به‌عنوان اهرمی جهت تنظیم سیاست‌های پولی در هر دو نظام بانکداری ربوی و غیر ربوی مطرح شده است. گرچه امروزه در ایران و به‌خصوص پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، استفاده از ساز و کار تنزیل و تنزیل مجدد به‌کلی منسوخ گردیده است.<sup>۳</sup> هم‌چنان که به‌نظر می‌رسد با توسعه ابزارهای جدید، ابزار تنزیل مجدد در بیشتر کشورها، اهمیت خود را به‌عنوان یک ابزار سیاست پولی از دست داده است.<sup>۴</sup>

اما این مقاله درصدد ارائه استدلال در مورد ضرورت و امکان احیا و بازگرداندن بیع دین (تنزیل) به جایگاه واقعی خویش در اقتصاد بدون ربا است به این امید که بتواند به مهم‌ترین مسأله قابل بحث در کاربرد نظام مالی اسلامی کمک کند. یعنی به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان ابزارهای ریسک‌پذیری را که سودآور باشند، ابداع نمود، تا ضمن تشویق سرمایه‌گذاران به سپردن پول خود به بانک‌ها، به میزان کافی، سودآوری برای آنان تأمین نمود.<sup>۵</sup> هدف این است که در بازار پول و سرمایه و بازار معادلات مالی دست دوم و ثانویه در یک نظام مالی اسلامی، ابزارهای مالی قابل قبولی که قابلیت نقدی، امنیت و سوددهی داشته و در عین حال با احکام شرع منطبق باشند، به‌وجود آید.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> آشنایی با عقود اسلامی در ارتباط با قانون عملیات بانکی بدون ربا، موسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و عملیات بانکی بدون ربا، اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرداد ۱۳۶۴.

<sup>۲</sup> علی اصغر هدایتی و حسین مهدوی، مبانی بانکداری از بعد فقهی و حقوقی و بانکداری کاربردی در رابطه با نظام جدید بانکی، مرکز آموزش بانک داری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

<sup>۳</sup> محمود بهمنی، مقاله عملکرد ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری بدون ربا طی دهه گذشته، از مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، (شهریور ۷۶)، پیشین.

<sup>۴</sup> سید احمد میر مطهری، مقاله بهینه سازی کنترل‌های پولی در راهبرد بازارهای مالی، از مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به هشتمین ...، پیشین.

<sup>۵</sup> میر آخور و زوبیر، ۱۳۶۷.

<sup>۶</sup> میر آخور و الحسنی.

### ۳- بستر مناسب و گستردگی دیون

روابط اقتصادی جهان عصر کنونی مملو از دیون و بدهی‌ها است و یک دلیل آن شجاعت مردم نسبت به قبول خطر برای نیل به سطوح زندگی بالاتر از امکانات فعلی آن‌ها است.<sup>۱</sup> امروزه در جهان، دیون و بدهی‌ها، تمامی افراد، بنگاه‌ها و حکومت‌ها را در بسیاری از ابعاد زندگی در بر گرفته است. و در این خصوص، موریس آلیه می‌گوید: "اقتصاد جهانی امروزه بر اهرم‌های چشم‌گیر بدهی‌ها و دیون قرار دارد... و در گذشته هرگز چنین سابقه‌ای از جهت گستردگی بدهی و دین دیده نمی‌شود.<sup>۲</sup> جهان امروزه در تمام سطوح فردی، بنگاه‌ها و حکومتی در دیون غرق گردیده به شکلی که بدهی‌ها تأثیر مستقیمی بر زندگی مردم در هر مکانی دارد و این نشان دهنده اهمیت مسأله دیون و بدهی‌ها است"<sup>۳</sup>.

در سطح فردی، بعضی از آمارها نشان دهنده این مطلب است که تا ۹۰ درصد درآمد ماهانه بعضی از افراد، صرف دیون مختلف آنان که ناشی از مسایل متنوع و گوناگونی است، می‌گردد مسایلی نظیر خرید منزل، ماشین و اسباب و اثاثیه منزل، وام‌های بانکی جهت مصرف و...<sup>۴</sup> در مورد بنگاه‌ها، دیون مهم‌ترین منبع تأمین مالی آن‌ها است و لذا بازارهای مالی دنیا، بیشتر بازارهای دیون است تا بازارهای سهام. هم‌چنین اکثر شرکت‌ها در تمامی کشورها اقدام به صدور سندهای دین می‌نمایند و در نتیجه دارائی‌های آن‌ها، معمولاً نشأت گرفته از دیون است تا از سهام‌های شراکتی و مالکیت. مثلاً در ایالات متحده آمریکا بر حسب آمار ارائه شده، سهام، حداکثر ۴/۵ درصد منابع تأمین مالی شرکت‌های سهامی را در بازارهای مالی تشکیل می‌دهد درحالی‌که حدود ۹۳ درصد آن‌ها ناشی از سندهای بدهی است و این علاوه بر وام‌های بانکی است.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> المصری و الابرش، ۱۹۹۹.

<sup>۲</sup> المصری و الابرش، ۱۹۹۹.

<sup>۳</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۴</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۵</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.



در سطح حکومتی، دین‌ها و بدهی‌های انباشته شده بعضی از دولت‌ها به بیش از ۱۰۰ درصد تولید داخلی می‌رسد. دیون و بدهی‌های دولت آمریکا به حدود ۵۰ درصد کل پس‌اندازها و منابع در سال می‌رسد که در هر سال بهره‌های این دیون به صورت سهمی از درآمد ملی کشورها بسیار بالا بوده و در سال ۱۹۹۲ حدود ۲۹۳ میلیارد دلار بود.<sup>۱</sup>

البته مباحثی در زمینه جهات انگیزشی فرد، بنگاه و حکومت برای سوق دادن آن‌ها به سمت دیون به جای سایر ابزارها و نیز مطالبی در خصوص اسباب گرایش به معاملات براساس دین و خرید و فروش بر روی آن مطرح است<sup>۲</sup> که بحث در مورد آن از حوصله بحث حاضر خارج است. اما با تمام این اوصاف، دین موضوعی با قدمتی طولانی است و مردم در کلیه ادوار تاریخی، معاملات و داد و ستدهایی را که منجر به ایجاد بدهی می‌گردیده، انجام می‌داده‌اند.<sup>۳</sup>

همچنان که بحث تنزیل و بیع دین نیز از دست‌آوردهای جدید و مختص به عصر ما نیست بلکه موضوعی با قدمت زیاد است. لذا بعضی از مورخین اقتصادی اظهار داشته‌اند که وثیقه‌های بابلی و آشوری مربوط به ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد متضمن مواردی حاکی از سندهای دین بوده و نیز وثیقه‌ها و سندهای دین در حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد در بازارها خرید و فروش می‌شده و مورد معامله قرار می‌گرفته است.<sup>۴</sup>

البته امروزه شیوع گسترده دیون، پدیده‌ای است که از نشانه‌ها و ویژگی‌های عصر جدید، به‌خصوص در عقود و قراردادهای معاملات در قرن بیستم به‌شمار می‌رود.<sup>۵</sup> شکی نیست که پدیده دین، با این ابعاد وسیع، موجب مسایل متعددی گردیده که نیاز به دقت و تأمل دارد و از جمله آن‌ها می‌توان به معاملات براساس دین اشاره نمود که امروزه به شکل‌ها و صورت‌های گوناگون، بازارهای مالی را تسخیر و باعث گردش ثروت در سطح این بازارها می‌شود.<sup>۶</sup> ولی در عین این که

<sup>۱</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۲</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۳</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۴</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۵</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۶</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

موضوع دیون و بدهی‌ها از مهم‌ترین و خطیرترین مسایل اقتصادی معاصر است اما با این حال، نوشته‌ها و متون در این زمینه از دیدگاه اسلامی بسیار کم است.<sup>۱</sup>

در جهان غرب و اقتصاد سرمایه‌داری، از آن‌جا که بهره و ربا امری کاملاً پذیرفته شده است لذا هیچگاه در صدد یافتن جایگزینی برای آن نبوده‌اند اما این مسأله مانع از آن نبوده است که از نظر پولی-مالی به فکر توسعه و تنوع بخشیدن ابزارهای مختلف مالی جهت فراهم نمودن تسهیلات هر چه بیشتر در نظام مالی و اقتصادی جامعه نبوده باشند. و در این ارتباط می‌توان به دو اندیشه اشاره نمود که در آن‌ها به بدهی‌ها و معاملات بر روی آن‌ها پرداخته شده است:

الف - اصل برات واقعی<sup>۲</sup>: که ریشه در توسعه بانکداری در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی دارد ... هم اکنون نیز پژواک این اصل در نظریه پولی جدید مشاهده می‌شود. نکته اساسی این اصل این است که اسکناس‌ها و پولی که وام داده می‌شوند، در تبادل با برات‌های واقعی (یعنی آن‌ها که نشان‌گر ارزش واقعی هستند) نمی‌توانند بیشتر و اضافی‌تر منتشر شوند و این که به دلیل معلوم بودن نیاز بخش غیر بانکی، هر مقدار اسکناس و پول اضافی، حداقل در دراز مدت و به‌طور خودکار به انتشار دهنده آن باز می‌گردد.<sup>۳</sup>

این اصل می‌گوید، اگر تنها برات و سند بدهی واقعی<sup>۴</sup> (یعنی براتی که بر اثر داد و ستد بازرگانی صادر گردد) تنزیل شود، افزایش پول بانک، متناسب با نیازهای تجاری خواهد بود و بدین‌سان انبساط و انقباض خودکار می‌شود.<sup>۵</sup> این نظریه از سوی پیروان مکتب بانکی پرورنده شد و بنابر آن تمامی وام‌های بانک‌های تجاری می‌بایست کوتاه مدت و نقدینه سر خود باشند به‌نحوی که افزایش و یا کاهش عرضه پول اساساً بر نیازهای تجاری مبتنی باشد. طبق این اصل، بانک‌ها صرفاً باید بر پایه برات‌های واقعی کوتاه مدت و نقدینه سر خودی که متکی به کالاهای در دست ساخت باشند، وام و اعتبار اعطا کنند. پیروان نظریه مزبور بر این باورند که

<sup>۱</sup> القری بن عید، ۱۹۹۸.

<sup>۲</sup> real bills doctrine.

<sup>۳</sup> Eatwell, 1998.

<sup>۴</sup> real bill.

<sup>۵</sup> فرهنگ، ۱۳۷۱.

هرگاه از سیاست برات واقعی پیروی شود، وسایل پرداخت هر اقتصاد، همراه با حجم تولیدات، افزایش یا کاهش خواهد یافت.<sup>۱</sup>

ب - روش فروش وام<sup>۲</sup> و احیای مدیریت دارایی‌ها<sup>۳</sup>: در رویکردی نوین و تحولی جدید در بانکداری، به کار گرفته می‌شود که تسهیلات و وام‌های داده شده را به صورت اوراق بهادار در می‌آورد تا مجدداً آن‌ها را به سرمایه‌گذاران به فروش رساند. یعنی بازپرداخت اقساط تسهیلات را هم دایر می‌نماید و اوراق مالکیت این وام‌ها را مجدداً در مقابل دریافت منابع واگذار می‌نماید. از این طریق وظیفه بانک به عامل بودن و یافتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری ختم می‌شود و نکته مهم این‌که فروش مجدد وام‌ها و اعتبارات، یک بار دیگر توجه مدیریت را از طرف بدهی‌ها به طرف دارایی‌ها معطوف می‌سازد.<sup>۴</sup>

در تفکر اسلامی نیز، موضوع بیع دین، ریشه‌ای عمیق و دیرینه دارد و در جامعه اسلامی و تاریخ اقتصادی آن از صدر اسلام مورد پذیرش قرار گرفته و به آن عمل شده است: یکی از معاملات رایج در جزیره‌العرب که در اسلام نیز با شرایطی مورد قبول واقع شده، خرید دین یا ذمه شخص توسط شخص دیگر است.<sup>۵</sup> این موضوع در اندیشه متفکران اسلامی و اقتصاددانان مسلمان معاصر نیز مطرح بوده و لذا درباره آن به تبادل نظر و اندیشه پرداخته‌اند. نمونه ذیل یکی از مواردی است که به این مسأله پرداخته و در آن بازارهای اولیه و ثانویه خرید و فروش دین را مطرح می‌نماید:

بازار اولیه، آن بازاری است که ارتباط در آن به‌طور مستقیم بین داین فروشنده دین با خریدار دین است. حال اگر خریدار دین، مالکیت دین خریداری شده را حفظ کند تا اجل آن دین فرا برسد و به اصطلاح دین حال گردد، معامله در سطح بازار اولیه، خاتمه می‌پذیرد و از آن فراتر

<sup>۱</sup> مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳.

<sup>۲</sup> loan sales

<sup>۳</sup> securitization

<sup>۴</sup> عباس عرب مازار و حسنعلی قنبری، مقاله مبانی نظری مدیریت نقدینگی در بانک‌ها، از مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به هشتمین ... پیشین

<sup>۵</sup> ثابت، ۱۳۸۱.

نمی‌رود. اما بسیاری از دیون، معامله و بیع آن‌ها، تکرار گردیده و در بازارهای منظم و مخصوصی صورت می‌پذیرد. این دیون در این بازارها دست به دست می‌شوند تا زمان اجل آن‌ها برسد و حال گردند، در چنین صورتی این بازارها، بازارهای ثانویه برای دیون می‌باشند.<sup>۱</sup>

تاکنون نظریات منسجم و ایده‌های اساسی بر پایه تنزیل از سوی اندیشمندان مسلمان ارائه نگردیده و در این مقاله بنا داریم تا تنزیل را به‌عنوان یکی از پایه‌های بخش پولی و منشأ و اصل برای مدیریت پولی - مالی در اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار دهیم، این موضوع در بخش بعدی مورد توجه قرار می‌گیرد.

#### ۴- جایگاه بیع دین (تنزیل) در اقتصاد بدون ربا

به‌لحاظ نظری اولین موضوع مهم در مورد بیع دین (تنزیل)، تبیین موقعیت آن در اقتصاد به‌طور کل و قطع نظر از دیدگاه شرع می‌باشد. این مسأله که در مقاله دیگری توسط نگارنده بررسی شده<sup>۲</sup> به‌نحو اجمال این است که در خصوص مبادلات پولی محض که در طرفین مبادله از کالا و خدمت هیچ اثری نیست، بلکه معادلات صرفاً بین پول و دیون پولی صورت می‌گیرد، تنها چهار روش قرض، ربا، بیع دین (تنزیل) و بیع دین به دین وجود دارد که می‌توانند بدون لحاظ جنبه شرعی آن‌ها، اساس و پایه مبادلات پولی صرف باشند.

مسأله دیگر، فحص از نظر شارع مقدس در خصوص روش‌ها و اساس‌های چهارگانه فوق است. این مطلب نیز در مقاله دیگری توسط نگارنده طرح و مورد بررسی قرار گرفته است<sup>۳</sup> و خلاصه ای از آن در ادامه مقاله ذکر می‌شود اما عصاره آن چنین است:

دو صورت از چهار صورت فوق یعنی صورت اول که همان قرض است و صورت دوم که ربا می‌باشد، حکم هر دو صورت را از جهت فقهی و شرعی، معلوم فرض می‌نماییم به‌صورتی که قرض را پذیرفته شده و ربا را تحریم شده، تلقی کنیم. در مورد دو صورت تنزیل (بیع دین) و بیع

<sup>۱</sup> القری بن عبید، ۱۹۹۸.

<sup>۲</sup> ثابت، ۱۳۸۱.

<sup>۳</sup> ثابت، ۱۳۸۱.

دین به دین لازم به ذکر است که آن چه مهم است، دانستن رأی مشهور فقهی است. در مورد بیع دین به دین، دیدگاه مشهور فقهی مبتنی بر حرمت است.

اما رأی مشهور فقهی، تنزیل و بیع دین پولی را جایز می‌دانند. همان طور که بعضی به این امر اذعان نموده‌اند<sup>۱</sup> و شهید صدر نیز تصریح می‌نمایند که بسیاری از علما آن را جایز می‌دانند<sup>۲</sup> و از معاصرین می‌توان به آیات عظام خویی، گلپایگانی، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم، وحیدی و ... اشاره نمود<sup>۳</sup>. البته در خصوص بیع دین یا همان تنزیل، مطلب مهم‌تر به‌ویژه از حیث کاربردی و اجرایی، وجود رأی موافق فقهای شورای نگهبان قابل ذکر است که ما را از هر گونه شک و تردید به‌خصوص در حیطة اجرا، رها می‌سازد<sup>۴</sup>. نکته حائز اهمیت دیگری که وجود دارد اشارت قرآنی در این مورد است و آن وجود بزرگترین آیه قرآن در مورد دین و کتابت آن است، که حاوی بیش از ۲۰ نکته قرآنی در ارتباط با کتابت و نوشتن دین بوده و جالب آن که این آیه دقیقاً پس از چند آیه‌ای که در نهی شدید ربا وارد شده است، قرار دارد و توضیح بیشتر آن در انتهای مقاله آمده است.

نتیجه این می‌شود که سازمان دهی اقتصاد بدون ربا در بخش پولی محض، تنها از طریق قرض و تنزیل میسر است و قرض علی‌رغم حل بخشی از مسائل، به جهت محدودیت‌هایی که دارد، به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به تمام مسائل به‌خصوص در ایجاد و تنظیم بخش پولی نیست و این تنزیل است که چنین نقشی را می‌تواند ایفا نماید که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

<sup>۱</sup> الشیخ محمد اسحاق فیاض، احکام البنوک و الاسهم و السندات و الاسواق المالیه (البورصة)، الطبعة الاولى، مکتب الشیخ محمد اسحاق فیاض، صص ۸۷-۷۸.

<sup>۲</sup> السدر، ۱۴۱۰.

<sup>۳</sup> توضیح المسائل مراجع عظام، ج ۲، تهیه و تنظیم از سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، تابستان ۱۳۷۸، صص: ۷۹۲ و ۷۸۵ و ۷۸۴ و ۷۳۴ و ۷۳۳ و ۷۱۷ و ۷۰۰-۶۹۸.

و سید محمد وحیدی، رساله توضیح المسائل، چاپ هفتم، چاپ صدر، ۱۳۶۹، ص ۳۸۲.

<sup>۴</sup> هدایتی و سفری، ۱۳۷۸.

## ۵- ابزارهای نوین تأمین مالی براساس بیع دین (تنزیل)

طرح پیشنهادی این مقاله، مبتنی بر فروض و یک سلسله مقدماتی است که در ضمن نکات ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود و در نتیجه اصل طرح و مکانیزم‌های عملیاتی آن نیز مشخص می‌گردد.

۱- در طرح پیشنهادی در این مقاله این‌گونه نیست که بیع دین (تنزیل) صرفاً در سطح اسناد بدهی ناشی از معاملات تجاری و با سر رسید حداکثر یک ساله (آنچنان که در تجربه فعلی بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود) مطرح باشد، بلکه به‌گونه‌ای مد نظر است که بتواند عام بوده و شامل هر نوع سند بدهی با هر سررسیدی و ناشی از هر نوع مبادله و معامله‌ای بشود.

۲- دوره گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب پیشنهادی این برنامه به هیچ وجه مستلزم نابسامانی وضع فعلی نیست بلکه برنامه پیشنهادی می‌تواند در موقعیت موجود فعلی و در کنار مکانیزم‌ها و شیوه‌های موجود به تدریج و آرام آرام مورد عمل و اجرا قرار گیرد و در ادامه، از جهات مختلف گسترش و توسعه یابد و در فرایند اجرای تدریجی و پروسه توسعه و گسترش برنامه پیشنهادی، طرح مورد نظر می‌تواند از جنبه‌های مختلف به‌خصوص اجرایی و کاربردی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته و همواره از جهت کیفی مورد اصلاح واقع شود.

۳- برای تمام دیون و بدهی‌ها که در اثر مبادلات و معاملات و یا به هر دلیل و علت دیگری ایجاد می‌شوند، اسناد بدهی در نظر گرفته می‌شود به‌نحوی که تقریباً هیچ‌گونه دین و بدهی معتناهی در اقتصاد بدون سند بدهی متصور نباشد.

۴- طراحی اسناد بدهی به‌طور خاصی پیشنهاد شده به‌گونه‌ای که و از جهت حقوقی و اقتصادی (که در جای خود بایستی مورد امعان نظر و بررسی قرار گیرد) دارای اعتبار رسمی و ویژه می‌باشند.

۴- اسناد بدهی خود می‌توانند تا سررسیدشان در معاملات دیگر مورد استفاده قرار گیرند بدون آن‌که تنزیل شوند، امری که هم اکنون در مورد چک‌های جاری، وجود دارد، اما برخلاف چک‌های جاری فعلی، اسناد بدهی پیشنهادی، قابلیت کنترل از سوی دولت و نهادهای پولی و مالی را دارا بوده و در صورت طراحی حساب شده، به راحتی و سهولت می‌توانند مورد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واقع گردند.

۵- اسناد بدهی پیشنهادی، هم‌چنین می‌توانند به دیگر امور اقتصادی نیز کمک کنند از جمله در مورد مالیات گرفتن، مثلاً می‌توان برای صدور اسناد، قیمتی قرار داد و مالیات‌هایی را متناسب با نوع هر سند، مدت، مبلغ و... وضع نمود. هم‌چنان که می‌توانند منجر به شفاف شدن حجم معاملات و دیگر امور فرعی مبتنی بر آن مانند مالیات گرفتن شوند، به‌خصوص اگر وضعیت مکانیزه‌ای بر معاملات اسناد بدهی و بازارهای آن حاکم باشد.

۶- در طی زمان و به‌طور مرتب یک سری دیون و اسناد بدهی که سررسید آن‌ها فرامی‌رسد از بازار دیون و اعتبار خارج می‌شود و دیون و اسناد بدهی جدید وارد آن می‌گردد و لذا دائماً بازار در حال پالایش و تسویه است به‌نحوی که به‌طور منظم می‌توان بر روی دیون و اسناد بدهی جدید، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نمود.

۷- تا معاملات و داد و ستدها و فعالیت‌های اقتصادی در جامعه وجود نداشته باشد، اسناد بدهی شکل نمی‌گیرد و لذا تقاضای پول از این طریق، هیچ وجود ندارد و هر چه معاملات و داد و ستدها، بیشتر گردد و امور اقتصادی جامعه فعال‌تر شود، اسناد بدهی بیشتری شکل می‌گیرد و در نتیجه ممکن است به تقاضای پول بیشتری بیانجامد و این امر، هماهنگی فعالیت اقتصادی و تقاضای پول و رشد نقدینگی را می‌رساند.

۸- قابلیت طراحی‌های مختلف بر روی اسناد بدهی و استفاده در جهت برنامه‌ریزی‌های خاص از مزیت‌های این طرح است به‌نحوی که نسبت به بخش‌های مختلف

اقتصادی، استان‌های گوناگون و مناطق مختلف، پروژه‌های متنوع، نرخ‌های تنزیل متفاوت و ... امکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وجود داشته و فراهم است.

۹- قابلیت و امکان بیمه نمودن، تعهد و تضمین در مورد این ابزارها و اسناد بدهی وجود دارد، و آنچه امر تضمین را در این مکانیزم آسان می‌سازد این است که هر سند بدهی که در اختیار یک فرد قرار دارد، متضمن تعهدی از سوی یک مدیون می‌باشد و در صورت فروش و تنزیل آن از سوی فرد مالک بدهی، وی می‌تواند در صورت پذیرش خریدار، به‌عنوان ضامن، آن سند را امضاء نماید و همینطور این جریان در فروش‌های بعدی این دین (تنزیل‌های بعدی) نیز می‌تواند ادامه یابد.

۱۰- با پی‌ریزی و ارائه طرح پیشنهادی نه تنها هیچ معامله و مبادله‌ای مهجور و کم‌رنگ نمی‌گردد بلکه اساساً "طرح" بر پایه انجام تمامی مبادلات و معاملات در کلیه صور آن و در ابعاد کاملاً وسیع استوار است و لذا تمامی عقود، قراردادهای و معاملات شرعی مانند جعاله، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، بیع نسبه و فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری و مشارکت و ... مورد اهتمام جدی بوده و به آن‌ها عمل می‌شود.

۱۱- انجام کلیه مبادلات و معاملات یاد شده در نکته قبل منحصر به بانک نبوده و تمام آحاد جامعه و بنگاه‌ها و دولت می‌توانند به چنین مبادلات و معاملاتی اقدام نمایند.

۱۲- در امر انجام تمامی معاملات و مبادلات، افراد مختلف جامعه، شرکت‌ها و بنگاه‌ها و دولت با یک‌دیگر به تعامل می‌پردازند و لذا یک مجموعه معاملات که هم اکنون از سوی بانک‌ها، عمل می‌شوند نظیر جعاله، فروش اقساطی و ... به افراد جامعه و نیز شرکت‌ها و سازمان‌های متخصص در این امور و متکفل آن‌ها قابل واگذاری است. در نتیجه کلیه مؤسسات پولی- مالی و بانک‌ها می‌توانند به‌طور کامل و وسیع در امر واسطه‌گری مالی درگیر باشند.



۱۳- وضعیت جامعه رادر ابعاد اقتصادی و از جهت معاملاتی به گونه‌ای در نظر می‌گیریم که هیچ‌گونه قرض ربوی و وام مبتنی بر بهره در آن وجود نداشته باشد. در چنین حالتی، امکان مبادله و داد و ستد پول، صرفاً در بعضی از مبادلات و داد و ستدها مانند قرض حسن، سلم و سلف و معاملات نقد متصور است که در جای خود محفوظ بوده و می‌تواند مورد عمل قرار گیرد.

۱۴- مسأله اطمینان به تأدیه دیون و اعتماد به پرداخت بدهی‌ها و تعهد و تضمین نسبت به آن‌را، موضوعی مقبول و مفروغ گرفته و از این جهت طرح را بدون مشکل در نظر می‌گیریم.

۱۵- کلیه افراد جامعه، شرکت‌ها، مؤسسات و بنگاه‌ها و دولت و حکومت، از طریق تمامی عقود، قراردادهای و معاملات شرعی به داد و ستد و مبادله و رفع حوائج یک‌دیگر می‌پردازند و از این طریق به اعمال اقتصادی و فعالیت‌های مختلف اقتصادی اقدام می‌نمایند. از این رهگذر، در وهله اول و با وجود نقدینگی لازم، بسیاری از مبادلات و اعمال و فعالیت‌های اقتصادی محقق می‌گردد اما در مرتبه دوم و کمبود نقدینگی است که بدهی‌ها شکل می‌گیرد. البته روشن است که در این وضعیت، از آن‌جا که ما فعلاً در صدد ایجاد ساختار جدید و خلق طرحی نو هستیم، تأمین مالی در وضعیت کمبود نقدینگی را منحصر به ایجاد دیون و بدهی‌ها در ذمه یک‌دیگر می‌نماییم و لذا در بین افراد، شرکت‌ها و دولت و در سطحی وسیع، دیون شکل می‌گیرد. دیون و بدهی‌های افراد به یک‌دیگر و یا نسبت به شرکت‌ها و دولت و نیز دیون شرکت‌ها به یک‌دیگر و نسبت به افراد و حکومت و همچنین دیون دولت نسبت به افراد، شرکت‌ها و نیز بانک‌ها و بانک مرکزی.

۱۶- نکته مورد تأکیدی که از مورد قبلی می‌توان استنباط کرد، اهمیت بخش خصوصی و بنگاه‌های اقتصادی در این راستا می‌باشد که در ایجاد دیون و بدهی‌ها در ذمه

یکدیگر و نیز افراد و به نفع بنگاه‌ها و افراد سهم به‌سزایی داشته و در نتیجه از این طریق به فعالیت و رشد و توسعه اقتصاد کمک شایانی می‌نمایند.

۱۷- دیون و بدهی‌های ایجاد شده منحصر به دیون ناشی از مبادلات و معاملات نمی‌باشد بلکه دیون وسیع دیگری نیز از جهات مختلف پدید می‌آید دیونی مانند بدهی‌های ناشی از مالیات‌ها، محکومیت‌های قضایی و ...

۱۸- برای تمامی دیون ایجاد شده، سند بدهی در نظر می‌گیریم که قابل طراحی است و ما فرض می‌کنیم که دارای اجل‌ها و سررسیدهای مختلف، مبالغ ریز و درشت متفاوت و در زمینه‌ها و بخش‌های اقتصادی متنوع می‌باشد و می‌تواند با نام یا بی‌نام باشند و تمامی معاملات بر روی دیون، از طریق این اسناد بدهی صورت می‌پذیرد.

۱۹- وضعیت کاملاً مکانیزه‌ای را برای بانک‌ها و مؤسسات پولی-مالی فرض می‌کنیم تا از این ناحیه مشکلی متوجه طرح نباشد و عملکرد آن‌ها کاملاً شفاف بوده و اطلاعات و آمار مختلف به راحتی و سهولت در دسترس باشد.

۲۰- دیون پولی و تنزیل آن‌ها صرفاً در سطح دیون کوتاه‌مدت و کمتر از یک سال و یا در امور خاصی مانند تجارت، مطرح نیست.

۲۱- دیون پولی و تنزیل آن‌ها شامل کلیه دیون با هر سرسیدی و در تمامی زمینه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی و غیراقتصادی می‌گردد.

۲۲- کلیه دیون از جنبه‌های مختلف قابل سیاست‌گزاری و برنامه‌ریزی، از جمله از طریق اعمال نرخ‌های تنزیل مختلف می‌باشند.

۲۳- تنزیل هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، و نیز در تمامی زمینه‌های اقتصادی و معاملاتی، اعم از تجاری و غیر تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۴- بانک‌ها و مؤسسات پولی-مالی را در نظر می‌گیریم به‌گونه‌ای که صرفاً به‌کار در وساطت پولی-مالی اشتغال داشته و می‌توانند در این زمینه، حساب‌های مختلفی

مانند قرض حسن، سپرده جاری و ... داشته باشند اما دارای یک حساب ویژه به نام حساب بیع دین (تنزیل) نیز می‌باشند که بخش عمده تجهیز از طریق آن صورت می‌پذیرد.

۲۵- عمل تجهیز به این شکل است که از آن‌جا که تمامی سپرده‌های این حساب جهت تنزیل دیون و بدهی‌های ایجاد شده، استفاده می‌گردد، لذا بر طبق نرخ‌های تنزیل، به آن‌ها سودی تعلق می‌گیرد که پس از کسر سهم بانک از سود و نیز کارمزد و ...، میزان خالص سود تعلق گرفته به این سپرده‌ها، مشخص می‌گردد. سپرده‌های این حساب می‌توانند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشند.

۲۶- این حساب به جهت ویژگی که دارد و آن این که سود سپرده‌های آن براساس تنزیل دیون پولی می‌باشد و نه براساس سود حاصل از طرح‌هایی که سپرده‌ها در آن‌ها به کار گرفته می‌شوند (مانند آن‌چه که در وضعیت مشارکتی فعلی هست) لذا گرچه ماهیتاً مشترکند و از قبل مشخص نیستند و لذا مؤید جنبه شرعی آن هستند اما در حساب تنزیل، این سود به راحتی و سهولت قابل اندازه‌گیری و با نوسان جزئی قابل پیش‌بینی است به نحوی که در وضعیت مکانیزه مفروض، حتی به صورت روزانه و در پایان هر روز کاری قابل محاسبه بوده و اطلاعات و آمار لازم قابل احصا و دسترسی است.

۲۷- این شیوه تجهیز در کنار سایر شیوه‌های تجهیزاتی که فعلاً در بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرد، مد نظر است.

۲۸- در مورد عمل تخصیص، امر به سادگی کامل، قابل تصور است و نیاز به توضیح چندانی ندارد زیرا با مراجعه مالکین دیون اعم از افراد، شرکت‌ها و دولت به مؤسسات پولی-مالی و بانک‌ها، این دیون تنزیل می‌گردند و لذا وجوه و اعتبارها به امور مربوط و مورد هدف، تخصیص می‌یابند و البته این عمل تخصیص، از جهات مختلف قابل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌باشد.

۲۹- این شیوه تخصیص در کنار سایر شیوه‌های تخصیصی که فعلاً در بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرد، مورد نظر می‌باشد.

۳۰- تعداد زیاد عقود مختلف بانکی در امر تجهیز و به‌خصوص تخصیص در وضعیت مشارکتی فعلی، در طرح پیشنهادی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد.

۳۱- عمل تجهیز و تخصیص به‌هیچ عنوان منحصر به بانک‌ها نمی‌باشد بلکه می‌تواند از سوی بخش خصوصی و افراد و شرکت‌ها نیز صورت پذیرد که طبیعتاً ممکن است نرخ‌های تنزیل آن‌ها با نرخ‌های تنزیل در بانک‌ها متفاوت باشد.

۳۲- حاکمیت مکانیزم عرضه و تقاضا و نیروهای بازار بر نرخ‌های تنزیل از نتایج نکته پیشین است.

۳۳- براساس آنچه گفته شد، بازارهای اولیه و ثانویه برای معامله بر روی اسنادبدهی شکل خواهد گرفت همچنان که تعامل بر روی اوراق بدهی با سررسید کمتر از یک سال، بازار پول و تعامل بر روی اوراق بدهی با سررسید بیشتر از یک سال، بازار سرمایه را شکل می‌دهد.

۳۴- حساب‌های تنزیل و سپرده‌های آن در قالب اسنادی قابل طراحی و ارائه به صاحبان آن‌ها می‌باشد. این اسناد از جهات مختلف مانند مقدار، سررسید و اجل پایان سپرده‌گذاری و ...، متفاوت می‌باشند و البته با اسناد بدهی فرق دارند. زیرا این اسناد نشان دهنده بدهی صرف نیست، بلکه نشان‌گر مبلغی است که به بانک سپرده شده تا در حساب بیع دین (تنزیل) که یک امر سرمایه‌گذاری است، استفاده شود و به آن سودی از راه تنزیل تعلق گیرد و لذا ما این اسناد را جهت تمایز از اسناد بدهی به اسناد سرمایه‌تنزیلی نام‌گذاری می‌نماییم.

۳۵- اسناد سرمایه‌تنزیلی خود می‌توانند دارای بازارهای اولیه و ثانویه باشند، همچنان که به تشکیل بازار پول و بازار سرمایه کمک می‌کنند و قیمت آن‌ها تابع مدت زمان آن

سند تا سررسید مربوط و نرخ سود متعلق به حساب‌های تنزیل (که البته مشتق از نرخ‌های تنزیل می‌باشد)، مرجع صادرکننده آن، مبلغ سرمایه آن سند و... می‌باشد. ۳۶- نرخ تنزیل، نرخ سود (در اثر مشارکت در فعالیتهای مختلف اقتصادی و معاملاتی) و نرخ نسبه در این سیستم و برنامه در کنار هم و ناشی از نیروهای بازار به تنظیم بخش پولی - مالی و در نتیجه به کلیت اقتصاد کمک خواهند نمود.

۳۷- براساس ابزارهای برنامه پیشنهادی، گسترش و توسعه اقتصاد بر مبنای اعتماد و با استفاده از ابزار اطمینان است و در نتیجه ابعاد نظارت بر اقتصاد را وسیع، آسان و کم‌هزینه می‌نماید.

۳۸- با وجود این ابزارها، امکان انتشار اسناد بدهی از سوی شرکت‌ها و بنگاه‌ها فراهم می‌شود، یکی از شیوه‌های انتشار اسناد بدهی از سوی شرکت‌ها به افراد این است که شرکت‌ها خریدهای خود را از افراد در مقابل ارائه اسناد بدهی که حاکی از تعهد باز پرداخت دین در سررسید خاصی است انجام دهند. مشابه همین شیوه، برای انتشار اسناد بدهی از سوی شرکت‌ها به سایر شرکت‌ها نیز وجود دارد به گونه‌ای که هر شرکتی، خریدهای خویش را از دیگر شرکت‌ها در مقابل ارائه اسناد بدهی که حاکی از تعهد بازپرداخت بدهی در سررسید خاصی است انجام دهد. به همین ترتیب و شیوه برای کلیه شرکت‌ها و بنگاه‌ها در تعامل با دولت و نهادهای دولتی امکان انتشار اسناد بدهی وجود دارد.

۳۹- امکان انتشار اسناد بدهی دولت به بانک مرکزی، بانک‌ها و مردم و فروش و تنزیل آن‌ها فراهم می‌گردد، ضمن آن که دیون و بدهی‌های ارزی دولت به خارج با احتساب معادل ریالی آن به صورت اسناد بدهی، امکان انتشار و فروش و تنزیل را پیدا می‌کنند.

۴۰- یکی از راه‌های دیگر انتشار اسناد بدهی (البته در مرحله ثانوی و مراحل بعدی) استفاده از اسناد بدهی موجود در سبد دارایی در معاملات جدید است، زیرا هر فرد و

شرکت و بنگاه اقتصادی دارای یک سبد دارایی می‌باشد که از اجزای مختلفی تشکیل شده است در اثر انتشار اسناد بدهی از سوی افراد، بنگاه‌ها و احیاناً دولت و بانک مرکزی، یکی از اجزای بسیار مهم تشکیل دهنده سبد دارایی هر فرد و بنگاهی، این اسناد بدهی خواهد بود.

۴۱- امکان تنزیل مجدد یا تنزیل اتکایی از سوی بانک‌ها در نزد بانک مرکزی فراهم گردیده و احیا می‌شود، امری که در ایران منسوخ و در سایر کشورها بی‌اهمیت گردیده است و نرخ تنزیل مجدد به‌عنوان یک ابزار کاملاً تأثیرگذار سیاست پولی و نه در حد ضعیف، مطرح می‌گردد.

۴۲- امکان اتخاذ سیاست‌های پولی فعال از سوی نهاد پولی کشور و بانک مرکزی جهت تأثیرگذاری بر بازار پول و سرمایه، در این طرح فراهم است. در حالت رکودی بانک مرکزی، نرخ تنزیل و نرخ تنزیل مجدد را کاهش می‌دهد و نیز اقدام به خرید اسناد بدهی می‌کند. و در حالت تورمی، بر عکس.

۴۳- عمل مکانیزم خودکار تعادلی در موقعیت‌های رکودی و تورمی شکل می‌گیرد، به این صورت که در حالت رکودی که نیاز به پول و اعتبار بیشتری وجود دارد و تولیدات و عرضه آن مازاد بر تقاضاست، در این وضعیت اولاً تعداد خریداران و فروشندگان و معامله‌کنندگان بیشتری به ایجاد دیون و استفاده از اسناد بدهی و انجام مبادلات به وسیله ایجاد اسناد بدهی اقدام می‌نمایند و این امر تقاضای پول را کاهش می‌دهد. ثانیاً در چنین وضعیتی، به دلیل کمبود پول، نرخ تنزیل رو به افزایش می‌گذارد و لذا افراد کمتری حاضر به ارائه اسناد بدهی در اختیار خویش جهت تنزیل می‌شوند و در نتیجه این امر، مانع افزایش رو به تزاید تقاضای پول می‌گردد و ثالثاً در این چنین حالتی، خود دیون و اسناد بدهی در یک طرف معاملات قرار می‌گیرند امری که مانع افزایش تزایدی تقاضای پول می‌شود. در حالت تورمی نیز دقیقاً همین سه امر اما به‌صورت عکس، اتفاق می‌افتد.

۴۴- هر سیستمی ممکن است مشکلات خاص خود را داشته باشد که طبیعتاً بایستی با برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و طراحی‌های حساب شده آن‌ها را به حداقل ممکن رساند. طرح پیشنهادی این مقاله نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد و لذا دارای مشکلاتی نیز می‌باشد که می‌توان آن‌ها را چنین برشمرد:

- ۱- دیون ساختگی و صوری در حالی که تنزیل و فروش آن‌ها حرام است.
- ۲- معامله دیون با یک‌دیگر در حالی که حرام است.
- ۳- تقلب در دیون به نحوی که دیون مربوط به بخش‌های ویژه، اولویت‌دار و با نرخ تنزیل پایین مثل کشاورزی برای استفاده در بخشی که این‌چنین نیست مثل تجارت، تنزیل و استفاده گردد.
- ۴- اعتبار فرد مدیون در پرداخت بدهی
- ۵- حجم زیاد متقاضی تنزیل به نرخ‌های تنزیل بانکی و در نزد بانک‌ها
- ۶- مکانیزه نبودن بانک‌ها
- ۷- سایر موارد

به هر حال این مشکلات و نظایر آن‌ها بعضی به‌طور کلی و بعضی تا حدودی قابل رفع می‌باشند اما اصل طرح را دچار مشکل نمی‌سازد و مهم آن است که در طراحی الگو و مدل، پیش‌بینی‌های لازم صورت پذیرفته و اشکالات برطرف و یا به حداقل ممکن کاهش یابد.

## ۶- بحث و بررسی فقهی موضوع

### ۶-۱- بررسی فقهی بیع دین

در خصوص اصل بیع دین، کمتر در کتب فقهی شیعه، سخنی به میان آمده است ولی به هر حال اصل موضوع مورد تردید نیست و بعضی به آن چنین اشاره نموده‌اند.  
بیع دین جایز است و این نظر، رأی علمای امامیه است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>الحسن بن یوسف بن مطهر الحلی، ۱۴۱۶.

یکی از سؤال‌های مطرح، این است که معامله و بیع دین با چه کسی صحیح و با چه کسی غیر صحیح است؟ آیا صرفاً معامله آن با مدیون جایز است یا آن که با غیر مدیون نیز مجاز می‌باشد؟ صاحب سرائر چنین جواب می‌دهد.

بیع دین با غیر مدیون صحیح نیست.<sup>۱</sup>

اما ایشان در این نظر، تنها می‌باشند و غیر ایشان بیع دین به غیر مدیون را نیز جایز و صحیح می‌دانند.<sup>۲</sup> و بعضی آن‌را به مشهور نسبت می‌دهند.<sup>۳</sup> و بعضی شهرت را نزدیک به اجماع می‌دانند.<sup>۴</sup> لذا برخی از این حکم، تعبیر به رأی علمای امامیه نموده اند.<sup>۵</sup> و بعضی با تعبیر روایت اصحاب ما از آن یاد کرده‌اند.<sup>۶</sup>

سؤال دیگر در مورد حال و موجب بودن دین و تأثیر آن در حکم بیع دین است. در این خصوص لازم به ذکر است که بحث بیع دین به دین و حال و موجب بودن آن بعداً می‌آید و در این‌جا صرفاً بحث بیع دین به غیر دین (یعنی عین) مطرح است. عده‌ای در این مورد چنین نظر داده‌اند.

بیع دین قبل از حلول آن مطلقاً نه به مدیون و نه به غیر مدیون جایز نیست. به عبارت دیگر بیع دین موجب جایز نمی‌باشد و صرفاً بیع دین حال مجاز است.<sup>۷</sup>

در برابر این نظر، عده کثیری قایل به جواز بیع دین موجب مانند بیع دین حال می‌باشند و معتقدند که دین موجب حق مالی است و لذا بیع آن جایز است.<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> محمدبن منصور بن احمدبن ادريس الحلبي، كتاب السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج ۲، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ص ۳۸.  
<sup>۲</sup> سيدمحمدجواد الحسيني العاملي، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۵، لبنان، بيروت، دار احياء التراث العربي ص ۲۱.  
 والشیخ علی بن الحسین الکرکی المحقق الثاني، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۵، الطبعة الثالثة المصححة، لبنان، بيروت، داراحياء التراث العربي، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ، صص ۱۹ و ۱۸.  
<sup>۳</sup> زين الدين الشهيد الثاني الجعبي العاملي، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، تعليق السيد محمد كلانتر، ج ۴، لبنان، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ، صص ۲۳ - ۱۹.  
<sup>۴</sup> الشيخ محمد حسن النجفي، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، ج ۲۴، الطبعة السابعة، لبنان، بيروت، دار احياء التراث العربي، صص ۳۴۸ - ۳۴۴.

<sup>۵</sup> الحسن بن يوسف بن مطهر الحلبي، پیشین، ج ۵، ص ۳۹۶.

<sup>۶</sup> سيد محمد جواد الحسيني العاملي، پیشین، ج ۵، ص ۲۱.

<sup>۷</sup> همان.



ضمن آن که نظر تمام کسانی که بیع دین را به طور مطلق و بدون آوردن قیدی برای دین، صحیح و جایز دانسته اند، همین است که ما به بعضی از آنها در جواب به سؤال قبلی، پرداختیم و به بعضی نیز در پاسخ به سؤال‌های بعدی خواهیم پرداخت. در هر صورت در نظر مشهور، بیع دین حال و موجد هر دو، صحیح و جایز است.

سؤال بعدی در مورد موضوع مبلغ و مقداری است که از سوی مشتری دین برای خرید دین به داین پرداخت می‌گردد که آیا جایز است که کمتر از مقدار دین باشد یا خیر؟ و در صورت جواز، آیا مدیون ملزم به پرداخت کل مبلغ دین است یا آن که کافی است به مقداری که مشتری به داین داده است، به همان مقدار به مشتری بپردازد؟ در این خصوص از شیخ طوسی در نهایه چنین نقل شده است:

اگر کسی دینی را به مبلغی کمتر از مبلغ دین بفروشد، شخص مدیون ملزم به پرداخت مبلغی بیشتر از آنچه که خریدار دین داده است نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

از این فرمایش شیخ دو حکم استفاده می‌شود، هم‌چنان که در بیان ذیل آمده است:

۱- جواز بیع دین به کمتر که در آن تردیدی نیست.

۲- عدم التزام مدیون به چیزی بیشتر از آنچه که مشتری در خرید دین به فروشنده پرداخته است.<sup>۲</sup>

مستند چنین حکمی دو روایتی است که در این زمینه وارد شده‌اند.<sup>۳</sup> به هر حال در مورد نظر شیخ طوسی در خصوص این که مدیون ملزم به پرداخت چیزی بیشتر از آنچه که مشتری به داین داده است، نمی‌باشد، می‌توان گفت که ایشان در این حکم در اقلیت محض می‌باشند. زیرا رأی مخالف حکم ایشان، دایر بر ملزم بودن مدیون به پرداخت کل مبلغ دین، در عبارت ذیل چنین توصیف شده است.

<sup>۱</sup> سید محمد جواد الحسینی العاملی، پیشین، ج ۵، ص ۲۱.

<sup>۲</sup> همان، صص ۲۲ و ۲۱.

<sup>۳</sup> الحسن بن یوسف بن مطهر الحلّی، پیشین، ج ۵، صص ۳۹۰ و ۳۸۹.

<sup>۴</sup> الشیخ محمد حسن النجفی، پیشین، ج ۲۵، ص ۶۰.

حکم مخالف نظر شیخ طوسی نظر مشهور است و به اکثر فقها نسبت داده اند و موافق قوانین بوده و هیچ مخالفی ندارد.<sup>۱</sup> معاصرین نیز همین نظر را دارند که جهت اطلاع می‌توان به منابع مربوط مراجعه نمود.<sup>۲</sup> البته بعضی مثل شهید صدر ضمن پذیرش این نظر، چنین می‌فرمایند:

در این حالت، احتیاط مستحب برای خریدار دین این است که بیشتر از مقداری که به داین پرداخته است از مدیون نگیرد.<sup>۳</sup> البته توجه شود که جواز دین به اقل در صورتی است که ربا لازم نیاید یا به تعبیر دیگر از یک جنس نباشند یا از جنس ربوی نباشند.<sup>۴</sup>

سؤال بعدی که مطرح می‌باشد این است که در صورت جواز بیع دین، آیا این امر منحصر به معامله با عین است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، بایستی توجه شود که کسانی که بیع دین را جایز می‌دانند، در صورتی که معوض، عین باشد حتماً آن را صحیح می‌شمارند؛ البته با شرطی که ذکر آن گذشت و آن این که ربا معامله پیش نیاید. البته تعابیر از عین متفاوت است. و گاهی به حاضر و گاهی به حاضر مشخص با اشاره و بعضاً به مال موجود و یا مال خارجی تعبیر شده است.<sup>۵</sup> اما بحث از بیع دین به غیر عین، همان بحث دین به دین است که در ادامه همین بخش به آن می‌پردازیم.

<sup>۱</sup> سید محمد جواد الحسینی العاملی، پیشین، ج ۵، ص ۲۱.

<sup>۲</sup> سید محسن الطباطبایی الحکیم، منهاج الصالحین، التعليق علیه، السید محمد باقر الصدر، ج ۲، لبنان، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۱۸۷.

والسید ابوالقاسم الخویی، منهاج الصالحین، ج ۲، الطبعة الثامنة والعشرون، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۱۷۳. والسید علی الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، الطبعة الخامسة، قم، مکتب آیه الله السید السیستانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۳۱۳.

<sup>۳</sup> السید محسن الطباطبایی الحکیم، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۷.

<sup>۴</sup> همان.

والسید تقی الطباطبایی القمی، میانی منهاج الصالحین، ج ۹، الطبعة الاولى، قم، منشورات مکتبه المفید، ۱۴۱۰ هـ.ق، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

والسید ابوالقاسم الخویی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۳.

والسید علی الحسینی السیستانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.

<sup>۵</sup> همان.

و سید محمد جواد الحسینی العاملی، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۵.

## ۲-۶- بررسی فقهی بیع دین به دین

بیع دین به دین فی الجمله و به طور کلی به دلیل اجماع و نص جایز نمی‌باشد.<sup>۱</sup> روایت موجود در این خصوص در عبارت ذیل چنین مطرح شده است.

روایت طلحة بن زید که از ابا عبدالله (علیه السلام) نقل شده که ایشان فرمودند، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: لا یباع الدین بالدین. یعنی بیع دین به دین جایز نمی‌باشد و شبیه همین روایت از طریق عامه نیز وارد شده که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: بیع کالی به کالی جایز نیست.<sup>۲</sup> به هر حال با توجه به بحث‌هایی که در مورد این روایت و نیز اجماع مربوط و منقول، وجود دارد اختلاف نظرهایی نیز در مورد حکم بیع دین به دین بروز کرده است. در یک مورد، در این زمینه چنین گفته شده است: "بیع دین حال به دین حال جایز نیست و بیع دین حال نسئته<sup>۳</sup> (که بیع دین حال به مضمون می‌باشد) نیز حرام است زیرا بیع دین به دین است"<sup>۴</sup>. در موردی دیگر چنین آمده است: "بیع دین حال یا موجل به دین حال در معامله با مدیون یا غیر مدیون صحیح و جایز است"<sup>۴</sup>. در بیان ذیل در این خصوص چنین مطرح شده است: "بیع دین به دینی دیگر صحیح نیست هم‌چنان که بیع دین نسئته<sup>۵</sup> نیز صحیح نمی‌باشد"<sup>۵</sup>.

بعضی از فقها نیز با توضیحات بیشتری چنین آورده‌اند: "بیع دین به دین در صورتی که هر دو دین، قبل از عقد، دین باشند، صحیح نیست و فرقی نمی‌کند که آن دو دین، هر دو حال باشند یا هر دو موجل یا یکی حال و دیگری موجل. اما اگر دین دومی به واسطه عقد دین باشد

<sup>۱</sup> السيد عبدالاعلی الموسوی السبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۲۱، الطبعة الرابعة، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۶ هـ ق، صص ۱۹ و ۱۸.

<sup>۲</sup> الشيخ يوسف البحرانی، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۰، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ص ۲۰۱.

<sup>۳</sup> الحسن بن یوسف بن مطهر الحلّی، پیشین، ج ۵، صص ۳۸۹ و ۳۸۸.

<sup>۴</sup> الشهيد الثاني، پیشین، ج ۴، صص ۲۳ - ۱۹.

<sup>۵</sup> الکرکی المحقق الثاني، پیشین، ج ۵، صص ۱۹ و ۱۸.

در صورتی که هر دو دین، موجب باشند باطل است و در غیر این صورت، صحیح است و اگر یکی از دو دین قبل از عقد، دین باشد و دیگری بعد از عقد، دین شده باشد، صحیح است<sup>۱</sup>.

البته ظاهراً در بیان فوق در میان بعضی از صور، تداخل شده و لذا برخی صور دارای احکام مختلف و مخالف گردیده‌اند که شهید صدر به این مطلب اذعان نموده و آنرا بررسی نموده‌اند<sup>۲</sup>. حضرت امام (قدس سره) در این خصوص چنین می‌فرماید: "بیع دین به دین در صورتی که هر دو موجب گرچه موجب حال شده هستند، جایز نیست و بنابر احتیاط در غیر آن (یعنی هر دو حال یا یکی حال و دیگری موجب) نیز جایز نیست. البته در صورتی که هر دو دین، قبل از بیع، دین باشند. اما در صورتی که هر دو دین، قبل از بیع، دین نباشند و یکی یا هر دو، به سبب بیع، دین گردیده باشد، دارای شقوق و صور کثیری است که در این مختصر نمی‌گنجد"<sup>۳</sup>.

به هر حال در این زمینه به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و برای دیدن بحث‌های بیشتر می‌توان به کتب مربوط مراجعه نمود<sup>۴</sup>. در این‌جا به مطلب ذیل که در مورد حکم بطلان و حرمت بیع دین به دین است توجه می‌کنیم که چنین می‌گوید: "بطلان بیع دین به دین ما را به تکلفی سخت می‌اندازد و دور از روشن بینی است"<sup>۵</sup>. اما به‌رغم این دیدگاه، ما تابع ادله فقهی و شرعی هستیم و بر همین اساس دیدگاه منتخب ما در مورد بیع دین به دین همان دیدگاه مشهور است که در بیان ذیل چنین آمده است: "بیع دین به دین در صورتی که هر دو دین، قبل از عقد، دین باشند، صحیح نیست بدون تفاوت در این‌که هر دو حال باشند یا هر دو موجب یا یکی حال و دیگری موجب و اگر هر دو دین، به سبب عقد، دین باشند؛ در صورتی که هر دو موجب

<sup>۱</sup> السید محسن الطباطبایی الحکیم، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۷.

والسید التقی الطباطبایی القمی، پیشین، ج ۹، صص ۲۰۳ و ۲۰۲.

والسید ابوالقاسم الخویی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup> السید محسن الطباطبایی الحکیم، پیشین، ج ۲، صص ۱۸۸ و ۱۸۷.

<sup>۳</sup> امام خمینی (قدس سره)، تحریر الوسیله، نجف الاشرف، مطبعة الاداب، ج ۱، ص ۶۴۹.

<sup>۴</sup> الشیخ محمد حسن النجفی، پیشین، ج ۲، صص ۳۴۸ - ۳۴۴.

و همان ج ۲۵، صص ۶۱ و ۶۰.

والشیخ یوسف البحرانی، پیشین، ج ۲۰، صص ۴۹ - ۴۶.

<sup>۵</sup> ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، دوره عقود معین (۱)، چاپ ششم، شرکت انتشار، ۱۳۷۴، ص ۳۱۸.

باشند، باطل است والا صحیح است و اگر یکی دین قبل از عقد باشد و دیگری دین به سبب عقد، در صورتی که دومی (دین به سبب عقد) موجب باطل باشد باطل است، اما اگر دومی، موجب نباشد بلکه حال باشد صحیح است<sup>۱</sup>.

### ۳-۶- بررسی فقهی تنزیل

یک سؤال را جواب ندادیم و آن این که آیا محکی دین (آن چه را که بدهی حاکی از آن می باشد) بر حکم بیع دین مؤثر است؟ در خصوص این سؤال جنبه‌ای که مورد نظر است، پول بودن محکی دین می باشد، یعنی دین پولی که حاکی از پول و بدهی پولی است. بایستی بررسی نمود که آیا در مورد بیع دین پولی نیز که امروز از آن به تنزیل یاد می شود، همین حکمی که در مورد بیع دین بحث نمودیم، ساری و جاری است یا آن که حکم دیگری دارد.

در خصوص تنزیل و بیع دین پولی، از آن جا که بدهی، حاکی از پول بوده و محکی بدهی، پول می باشد، لذا خرید و فروش دین پولی فرع این دو مطلب است که اولاً پول مالیت داشته باشد و ثانیاً خرید و فروش آن جایز باشد. در مورد مالیت پول، کمتر اختلافی به چشم می خورد لذا بحث را معطوف به جنبه دوم یعنی خرید و فروش پول می نماییم.

بیع پول را عموم فقها و مشهور جایز می دانند و استدلال ایشان این است که پول، از مکیل و موزون نبوده، بلکه از معدودات است. و چون موضوع ربای معاملی نزد ایشان، مکیل و موزون بودن است، لذا ربای معاملی در بیع پول، راه ندارد. البته کسانی مانند شیخ مفید که ربای معاملی را در معدود نیز جاری می داند و مثل شهید صدر که موضوع ربای معاملی را اشیای مثلی می داند (پول هم مثلی است) و یا مانند شهید مطهری که موضوع ربای معاملی را غیرمشاهد<sup>۲</sup> (که شامل مکیل و موزون و معدود فابریکی می شود) می داند (و پول، غیر مشاهد است)، در نتیجه ربای معاملی در بیع پول نیز جریان دارد اما نظر مشهور برخلاف این عزیزان است. در هر صورت در این زمینه می توان به منابع مربوط مراجعه نمود<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> السید علی الحسینی السیستانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.

<sup>۲</sup> امام خمینی (قدس سره)، پیشین، ج ۲، صص ۶۱۴ و ۶۱۳.

<sup>۳</sup> والیسید محسن الطباطبایی الحکیم، پیشین، ج ۲، صص ۷۶ و ۷۵.

البته مراد از بیع پول، مبادله پول با پول است؛ در صورتی که از یک جنس باشد مثل تومان با تومان و نیز اعم از نقد و نسیه می‌باشد گرچه بعضی در بیع نسیه پول اشکال کرده‌اند.<sup>۱</sup> ضمناً حضرت امام (قدس سره) بیع پول را در صورتی که واقعاً بیع قصد شود و واقع آن قرض نباشد، جایز می‌داند و الاً آن را تخلص از ربا دانسته و جایز نمی‌داند.<sup>۲</sup> به هر حال بایستی عنایت داشت که حکم بیع پول مدخلیت تام در حکم بیع دین پولی ندارد و لذا شهید صدر با آن که بیع پول را جایز نمی‌داند، اما بیع دین پولی و تنزیل اوراق را به اقل بلا اشکال می‌داند؛ گرچه در جواز اخذ تمام مبلغ دین توسط مشتری از مدیون اشکال می‌نمایند.<sup>۳</sup> و به این امر در عبارت ذیل تصریح می‌نمایند و چنین می‌فرمایند: "بیع سفته دوستانه (صوری) همان بیع پول است که به نظر ما ربای معاملی است و جایز نیست اما بیع سفته واقعی را نباید بر آن قیاس نمود"<sup>۴</sup>.

به بیان دیگر معامله بر روی دین با معامله بر روی محکی دین، دو چیز است و درست است که دین چیزی جز محکی آن نیست اما معامله بر روی محکی، معامله روی محکی بالفعل است که در خارج موجود است، اما معامله بر روی دین، معامله بر روی کلی محکی است و لذا در معامله بر روی پول ممکن است ماهیتاً و حقیقاً در بعض موارد، همان قرض ربوی یا تخلص از ربا اتفاق افتد اما در معامله بر روی دین پولی، چنین نیست.

ضمن آن که با پذیرش بیع دین که بحث آن گذشت و داشتن مستندات روایی صحیح، که در آن‌ها دین به کار رفته است، از دین الغای خصوصیت شده است و لذا اطلاق داشته و شامل هر دینی از جمله دین پولی نیز می‌شود. البته به‌طور کلی در تنزیل و بیع دین پولی، جواز آن مشروط شده است به واقعی بودن دین و بدهی.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> السید علی الحسینی السیستانی، پیشین، ج ۲، ص ۷۶.

<sup>۲</sup> امام خمینی (قدس سره)، پیشین، ج ۲، صص ۶۱۴ و ۶۱۳.

<sup>۳</sup> السید محسن الطباطبایی الحکیم، پیشین، ج ۲، ص ۷۵.

والسید محمد باقر الصدر، پیشین، صص ۱۶۰ و ۱۵۹.

<sup>۴</sup> السید محسن الطباطبایی الحکیم، پیشین، ج ۲، صص ۷۶ و ۷۵.

<sup>۵</sup> همان.

حضرت امام (قدس سره) غیر از شرط فوق و علاوه بر آن، شرط دومی را نیز مطرح می‌نمایند و آن عدم قصد تخلص (فرار) از ربای قرضی است<sup>۱</sup> و بعضی احراز این شرط دوم را در اغلب موارد و بلکه کلاً، مشکل می‌دانند<sup>۲</sup>. شاید بر همین اساس باشد که حضرت امام خمینی (قدس سره) در جواب به استفتائات در این زمینه و سؤال در مورد فروش چک یا سفته حکم به ربا و حرمت آن نموده‌اند<sup>۳</sup>؛ البته بعضی دیگر نیز به تنزیل اشکال نموده‌اند<sup>۴</sup>. اما به نظر می‌رسد که در مورد تنزیل و فروش چک یا سفته، مشکل از جهت فروش بدهی پولی به اقل نیست بلکه مشکل در مبلغی است که مشتری در ذمه مدیون مالک می‌شود و مدیون ملزم به پرداخت آن است و لذا با تفکیک این دو موضوع اصل فروش جایز می‌شود و می‌توان به اقل فروخت اما این که مشتری چه مبلغی را در ذمه مدیون مالک می‌شود، آیا به مقدار مبلغ دین یا به مقدار مبلغی که مشتری به داین داده است امری جداگانه است که ممکن است مثل شهید صدر در اخذ تمام مبلغ دین کسی اشکال نماید.

ضمن آن که با قبول این رأی که فروش به اقل جایز است اما اخذ مابه التفاوت مبلغ دین با مبلغ پرداختی مشتری، جایز نیست به مشکلی بر می‌خوریم و آن این که این مابه التفاوت که داین در ذمه مدیون مالک بوده با چه مجوزی از ذمه مدیون و ملکیت داین خارج می‌شود؟ هم‌چنان که بعضی به این اشکال متفطن شده و به آن تصریح نموده اند<sup>۵</sup>. به‌رحال آن چه که در این زمینه مهم است رأی مشهور در این خصوص است که تنزیل و بیع دین پولی را جایز می‌دانند. همان‌طور که بعضی به این امر اذعان نموده اند<sup>۶</sup>. شهید صدر نیز تصریح می‌نمایند

<sup>۱</sup> امام خمینی (قدس سره)، پیشین، ج ۲، ص ۶۱۱

<sup>۲</sup> پرویز داوودی، حسن نظری و سید حسین میرجلیلی، پول در اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پاییز ۱۳۷۴، صص ۷۱ و ۷۰.

<sup>۳</sup> امام خمینی (قدس سره)، استفتائات، ج ۲، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، تابستان ۱۳۷۶، صص ۱۷۶ و ۱۷۵.

<sup>۴</sup> توضیح المسائل مراجع عظام، پیشین، ج ۲، صص ۸۰۸ و ۷۸۲.

والشیخ محمد اسحاق فیاض، پیشین، صص ۸۷ - ۷۸.

و شیخ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، چاپ اول، قم، مدرسه امام باقر (علیه السلام)، ۱۴۱۹ هـ.ق، ص ۶۰۵.

<sup>۵</sup> الشیخ یوسف البحرانی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

<sup>۶</sup> الشیخ محمد اسحاق فیاض، پیشین، صص ۸۷ - ۷۸.

که بسیاری از علما آنرا جایز می دانند<sup>۱</sup>. از معاصرین می توان به آیات عظام خوبی، گلپایگانی، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم، وحیدی و... اشاره نمود<sup>۲</sup>.

#### ۴-۶- اشارات قرآنی

پس از بررسی فقهی، به آیه شریفه ۲۸۲ سوره بقره توجه می نماییم. این آیه، با موضوع بحث ما تناسب و پیوند خاصی دارد و لذا به طور کامل آنرا می آوریم.

یا ایها الذین امنوا اذا تدایتمت بدين الی اجل مسمى فاکتبه ولیکتب بینکم کاتب بالعدل و لا یأب کاتب ان یتکتب کما علمه الله فلیکتب ولیملل الذی علیه الحق ولیتق الله ربه و لا یبخس منه شیئا فان کان الذی علیه الحق سفیها اضعیفا او لا یتسطع ان یمل هو فلیمل ولیه بالعدل واستشهدوا شہیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان ممن ترضون من الشہداء ان تضل احدیہما فتذکر احدیہما الاخری و لا یأب الشہداء اذا ما دعوا و لا تستموا ان تکتبوه صغیرا او کبیرا الی اجله ذلکم اقسط عندالله و اقوم للشہادۃ و ادنی الا ترتابوا الا ان تكون تجارۃ حاضرۃ تدیرونہا بینکم فلیس علیکم جناح الا تکتبوا واشہدوا اذا تبایعتم و لا یضار کاتب و لا شہید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم واتقوا الله و یعلمکم الله والله بكل شیء علیم.

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه به یکدیگر دینی پیدا کردید - به سبب خرید و فروش، وام و جز اینها - تا سرآمدی معین، پس آنرا بنویسید و نویسنده ای میان شما آنرا به درستی و داد بنویسد. و نویسنده به پاس این که خدا به او آموخته است نباید از نوشتن سرباز زند، پس باید بنویسد و کسی که حق بر گردن اوست - وامدار و بدهکار - باید وام نامه را املا کند و از خدای، پروردگار خویش، پروا داشته باشد و چیزی از آن نکاهد. پس اگر کسی که حق بر گردن اوست کم خرد یا ناتوان - کودک و مانند آن - بود یا نتواند املا کند سرپرست او به درستی و داد املا کند، و دو گواه از مردانتان به گواهی گیرید، و اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن از گواهانی که بیسندید که اگر یکی از آن دو فراموش [یا اشتباه] کند دیگری به یادش آرد. و چون گواهان را بخوانند نباید سر باز زنند. و از نوشتن آن - وام یا بدهی - کوچک باشد یا بزرگ، - تا سرآمد آن - دلتنگ و آزرده مشوید. این

<sup>۱</sup> الشہید السید محمد باقر الصدر، پیشین، ص ۱۵۹.

<sup>۲</sup> توضیح المسائل مراجع عظام، پیشین، ج ۲، صص: ۷۹۲ و ۷۸۵ و ۷۸۴ و ۷۵۴ و ۷۳۴ و ۷۳۳ و ۷۱۸ و ۷۱۷ و ۷۰۰ - ۶۹۸ و

سید محمد وحیدی، پیشین، ص ۳۸۲.



[نوشتن شما] نزد خداوند عادلانه تر و گواهی را پاینده تر و به آن که در شک و بدگمانی نیفتید نزدیکتر است، مگر آن که بازرگانی نقد باشد که میان خود [دست به دست] می گردانید، پس گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. و چون خرید و فروش کنید، گواه بگیرید، و به نویسنده و گواه نباید زیان برسد، و اگر چنین کنید آن نافرمانی شماسست. و از خدا پروا کنید، و خدا شما را می آموزد، و خدا به هر چیزی داناست<sup>۱</sup>.

جالب توجه این که این آیه، بزرگترین آیه قرآن است و در آن در مورد دین و به خصوص ابعاد مختلف نوشتن و مستند کردن و اهمیت کتابت آن مباحث متنوعی مطرح گردیده که بعضی تا ۱۸ دستور از این آیه در مورد دین استفاده نموده‌اند<sup>۲</sup>. از فقه القرآن راوندی تا ۲۳ حکم نقل شده که از این آیه، استخراج نموده است<sup>۳</sup>. از تمام این دستورات فهمیده می‌شود که اسلام به مسأله دین و کتابت آن اهمیت داده است<sup>۴</sup>. قابل توجه این که در آیه، کلمه دین استعمال شده نه قرض، برای آن که قرض تنها در تبادل دو چیز که مانند یکدیگرند، استعمال می‌گردد، مانند این که پول یا جنسی را به عنوان قرض گرفته و از آن استفاده می‌کند و سپس همانند آن را رد می‌نماید. ولی دین دامنه وسیع‌تری دارد؛ زیرا هرگونه معامله که انجام گیرد مانند صلح، اجاره، خرید و فروش و مانند آن، سپس یکی از طرفین بدهکار گردد، آن را دین گویند. بنابراین، آیه مورد بحث شامل تمام معاملاتی می‌شود که به طور سلف و یا نسیه انجام گیرد و در عین این که قرض را هم در بر می‌گیرد<sup>۵</sup>.

نکته قابل تعمق دیگر این است که این آیه دقیقاً بلافاصله پس از آیات مربوط به موضوع ربا و نهی و انکار شدید آن، یعنی آیات ۲۷۵ به بعد سوره بقره، آمده است. بنابر این چنین می‌توان نتیجه گرفت همان‌طور که قرآن با رباخواری و احتکارکردن و بخل، سخت مبارزه کرده،

<sup>۱</sup> قرآن کریم، ترجمه سید جلال الدین مجتوی، چاپ اول، انتشارات حکمت، زمستان ۱۳۷۱، ص ۴۸.

<sup>۲</sup> ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۸۴.

<sup>۳</sup> علی اصغر مروراید، سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۱۵، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، موسسه فقه الشیعه الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۲۳.

<sup>۴</sup> محمد حسین ابراهیمی، قرض الحسنه، چاپ اول، قم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۲.

<sup>۵</sup> ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، پیشین، ج ۲، صص ۲۸۵ و ۲۸۴.

برای امور تجاری و اقتصادی نیز مقررات دقیقی بیان داشته است تا هر چه بیشتر سرمایه‌ها، رشد طبیعی خود را بنمایند و هیچ‌گونه بن بست و اختلاف و نزاعی رخ ندهد<sup>۱</sup>.

نتیجه این می‌شود که سامان دهی یک اقتصاد بدون ربا در بخش پولی صرف، تنها از طریق قرض و تنزیل میسر است و قرض علی‌رغم حل بخشی از مسائل، به جهت محدودیت‌هایی که دارد، به‌تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به تمام مسائل به‌خصوص در ایجاد و تنظیم بخش پولی نیست و این تنزیل است که چنین نقشی را می‌تواند ایفا نماید که در متن مقاله حاضر، به آن پرداخته.

---

<sup>۱</sup> همان.

## منابع و مأخذ

- امام خمینی (قدس سره)، (۱۳۷۶) استفتائات، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- امین، حسن عبدالله، (۱۳۷۶) سپرده‌های نقدی و راه‌های استفاده از آن در اسلام، ترجمه محمد رخشنده، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- انور، محمد، (۱۳۷۵) الگوی اقتصاد بدون ربا، ترجمه دکتر اسدالله فرزین وش، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- توتونچیان، ایرج، (۱۳۷۵) اقتصاد پول و بانک داری، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- توضیح المسائل مراجع عظام، (۱۳۷۸) تهیه و تنظیم از سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- داوودی، پرویز، نظری، حسن و میرجلیلی، سید حسین، (۱۳۷۴) پول در اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- درخشان، مسعود، (۱۳۷۵) بررسی سیاست‌های پولی و اعتباری، تحلیل آثار اقتصادی آن بعد از انقلاب اسلامی، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ساموئلسن، پل، نوردهاوس، ویلیام، اقتصاد، (۱۳۷۳) ترجمه علیرضا نوروزی و محمد ابراهیم جهان دوست، چاپ اول، تهران، نشر مترجمان.
- شهید صدر، اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه محمد کاظم موسوی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شهید مطهری، (۱۳۶۴) ربا، بانک، بیمه، چاپ اول، انتشارات صدرا.

- صدر، سید کاظم، (۱۳۷۵) اقتصاد صدر اسلام، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قرآن کریم، (۱۳۷۱) ترجمه سید جلال الدین مجتوبی، چاپ اول، انتشارات حکمت.
- قریشی، انور اقبال، اسلام و نظریه بهره، ترجمه گروه پژوهش‌های اقتصاد اسلامی متشکل از کارکنان بانک مرکزی ایران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴) دوره مقدماتی، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، چاپ اول، تهران، موسسه نشر یلدا.
- کمیحانی، اکبر و بیدآباد، بیژن، (۱۳۷۳) سیاست‌های پولی مناسب در جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به اولین تا دهمین سمینار بانک داری اسلامی (شهریور ۶۹ تا شهریور ۷۴)، چاپ اول، موسسه عالی بانک داری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- مکارم شیرازی، آیت الله ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- میرآخور، عباس و زوبیر، اقبال، (۱۳۶۷) بانک داری اسلامی، ترجمه زهره کریمیان، اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- میرآخور، عباس و س.خان، محسن، (۱۳۷۰) مطالعات نظری در بانک داری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، چاپ اول، موسسه بانک داری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- میرآخور، عباس، الحسنی، باقر، مقالاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه حسن گلریز، موسسه بانک داری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- میرجلیلی، سید حسین، (۱۳۷۴) بررسی و ارزیابی بانک داری بدون ربا در ایران، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

- نهج البلاغه، ترجمه و شرح از سید علینقی فیض الاسلام.
- هدایتی، سید علی اصغر و مهدوی، حسین، مبانی بانک داری اسلامی از بعد فقهی و حقوقی و بانک داری کاربردی در رابطه با نظام جدید بانکی، مرکز آموزش بانک داری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- هدایتی، سید علی اصغر، سفری، علی اصغر، کلهر، حسن و بهمنی، محمود، (۱۳۷۸) عملیات بانکی داخلی - ۲، (تخصیص منابع)، چاپ ششم، تهران، موسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- وحید خراسانی، آیت الله شیخ حسین، (۱۴۱۹هـ) توضیح المسائل، چاپ اول، قم، مدرسه امام باقر(علیه السلام).
- وحیدی، آیت الله سید محمد، (۱۳۶۹) رساله توضیح المسائل، چاپ هفتم، چاپ صدر.
- یوسفی، احمد علی، (۱۳۷۷) ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجلات و جزوات فارسی
- توتونچیان، ایرج، (۱۳۶۸) پول در اقتصاد اسلامی، مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲، صص ۹۶ - ۶۲.
- ثابت، سیدعبدالحمید، (۱۳۸۰) نگاهی به مباحث فقهی و اقتصادی تنزیل، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۴، صص ۱۲۰ - ۱۰۵.
- ثابت، سیدعبدالحمید، (۱۳۸۱) تنظیمات جدید پولی، مالی و بانکی در نظام اقتصادی بدون ربا، مجله علمی و تخصصی معرفت، شماره ۵۳، صص ۵۴ - ۴۲.
- ثابت، سیدعبدالحمید، (۱۳۸۱) طراحی نوین بانکداری، فصلنامه علمی برنامه و توسعه، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۰۵ - ۶۷.
- ثابت، سیدعبدالحمید، (۱۳۸۱) موضوع شناسی بیع دین، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت(ع)، شماره ۳۱، صص ۲۰۸ - ۱۳۸.

- کمبجانی، اکبر و نظریان، رافیک، (۱۳۷۰) سنجش درجه جانشینی میان پول و شبه پول در اقتصاد ایران، مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۰، صص ۴۲ - ۱۵.
- هاشمی، آیت الله سید محمود، (۱۳۷۴) احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت (علیه السلام)، شماره دوم، سال اول، صص ۹۸ - ۵۲.
- ابن فهدالحلی، (۱۴۰۷ هـ ق) المهذب البارع، تحقیق باشراف الشیخ مجتبی العراقی، قم، جامعه المدرسین.
- ابن منظور، (۱۴۱۶ هـ ق، ۱۹۹۵ م) لسان العرب، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، موسسه التاريخ العربی.
- اشرف، احمد حسن، الزحیلی، وهبه، کنعان، علی، (۱۴۲۰ هـ ق، ۱۹۹۹ م) الاوراق النقدیة فی الاقتصاد الاسلامی، قیمتها و احکامها، الطبعة الاولى، سوریه، دمشق، دارالفکر.
- الاخرس، عاطف، شقیر، فائق و سالم، عبدالرحمن (۱۴۲۰ هـ ق، ۲۰۰۰ م) محاسبه البنوك، الطبعة الاولى، اردن، عمان، دارالمیسرة.
- البحرانی، الشیخ یوسف (صاحب حدائق)، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- التبریزی، آیه الله المیرزا محمدعلی، مصباح الفقاهة، من تقرير بحث السيد ابوالقاسم الخویی، موسسه انصاریان.
- الجواهری، حسن محمد تقی، (۱۴۰۸ هـ ق، ۱۹۸۸ م) الربا فقیها و اقتصادیا، الطبعة الثانية، لبنان، بیروت، دارالمرتضى.
- الحرالعاملی، شیخ محمد بن الحسن، (۱۴۱۶ هـ ق) تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، الطبعة الثالثة، قم، موسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
- الحسینی السیستانی، آیت الله السید علی، (۱۴۱۷ هـ ق) منهاج الصالحین، الطبعة الخامسة، قم، مکتب آیت الله السید السیستانی.

- الحسينى العالمى (صاحب مفتاح الكرامة)، مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة، داراحياء التراث العربى.
- الحلى، ابن ادریس، كتاب السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، قم، موسسه النشر الاسلامى.
- الخوئى، آيت الله السيد ابوالقاسم، (۱۴۱۰ هـق) منهاج الصالحين، الطبعة الثامنة و العشرون، قم، نشر مدينة العلم.
- الخوانسارى، السيد احمد، (۱۳۶۴ هـش) جامع المدارك فى شرح المختصر النافع، الطبعة الثانية، قم، موسسه اسماعيليان.
- الربيعه، سعود محمد، (۱۴۱۲ هـق، ۱۹۹۲م) تحول المصرف الربوى الى مصرف اسلامى و مقتضياته، الطبعة الاولى، الكويت، منشورات مركز المخطوطات والتراث والوثائق.
- الزحيلي، ( ۱۴۰۹ هـق) وهبة، الفقه الاسلامى و ادلته، الطبعة الثالثة، سوريه، دمشق، دارالفكر.
- السنهورى، عبدالرزاق احمد، الوسيط فى شرح القانون المدنى، لبنان، بيروت، داراحياء التراث العربى.
- السنهورى، عبدالرزاق احمد، (۱۹۹۸م) مصادر الحق فى الفقه الاسلامى، دراسة مقارنة بالفقه الغربى، الطبعة الثانية، لبنان، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية.
- الشريف المرتضى، (۱۴۰۵ هـق) رسائل المرتضى، تحقيق از سيد مهدي رجاى، دارالقرآن.
- الشهيد الاول، الدروس، قم، منشورات صادقى.
- الشهيد الاول، (۱۴۱۱ هـق) للمعنة الدمشقية، تحقيق شيخ على كورانى، قم، دارالفكر.
- الشهيد الثانى، (۱۴۰۳ هـق) الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقيه، تعليق السيد محمد كلانتر، لبنان، بيروت، داراحياء التراث العربى.
- الشهيد الصدر، (۱۳۹۹ هـق) الاسس العامة للبنك فى المجتمع الاسلامى، چاپ دوم، الاسلام يقود الحياة، العدد ۶، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.

- الشهيد الصدر، (١٤١٠هـ) البنك اللاربوى فى الاسلام، لبنان، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.

- الشيخ الصدوق، ابن بابويه، (١٤١١ هـ) من لا يحضره الفقيه، موسوعه الكتب الاربعه فى احاديث النبى و العتره، تعليق محمد جعفر شمس الدين، لبنان، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.  
- الشيخ الطوسى، النهايه، بيروت، دارالاندلس، قم، اوفست منشورات قدس.

- الشيخ الطوسى، (١٤١٢ هـ) تهذيب الاحكام، موسوعه الكتب الاربعه فى احاديث النبى و العتره، تعليق محمد جعفر شمس الدين، لبنان، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.  
- الطباطبائى الحكيم، السيد محسن، (١٤٠٠ هـ) منهاج الصالحين، التعليق السيد محمد باقر الصدر، لبنان، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.

- الطباطبائى القمى، السيد تقى، (١٤١٠ هـ) مباني منهاج الصالحين، الطبعة الاولى، قم، منشورات مكتبة المفيد.

- العلامة الحلى، (١٤١٦ هـ) مختلف الشيعة فى احكام الشريعة، الطبعة الاولى، قم، مركز الابحاث و الدراسات الاسلاميه، مكتب الاعلام الاسلامى، مركز النشر.

- الكركى المحقق الثانى، (١٤١١ هـ) جامع المقاصد فى شرح القواعد، الطبعة الاولى، لبنان، بيروت، مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لاهياء التراث.

- المصرى، رفيق يونس، الابرش، محمد رياض، (١٤١٩ هـ، ١٩٩٩ م) الربا والفائدة دراسة اقتصادية مقارنة، الطبعة الاولى، سوريه، دمشق، دارالفكر.

- الموسوعه الفقيهيه (المعروفه بالموسوعه الكويتيه)، الجزء ٢، ٣، ٩، ٢١، ٢٢، ٣٣، ٣٤ و ٣٩ الطبعة الثانية، الكويت، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، من ١٤٠٤ هـ، ١٩٨٣ م الى ١٤٢٠ هـ، ٢٠٠٠ م.

- الموسوى البجنوردى، سيد ميرزا حسن، القواعد الفقيهيه، الطبعة الثانية، طهران، مكتبة الصدر.



- الموسوی السبزواری، السيد عبدالاعلی، (۱۴۱۶ هـ ق) مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، الطبعة الرابعة، قم، مؤسسة المنار.
- الموسوی، ضیاء مجید، (۱۹۹۷ م) البنوك الاسلامیة، مؤسسة شباب الجامعة.
- امام خمینی (قدس سره)، تحرير الوسيلة، نجف الاشرف، مطبعة الاداب.
- امام خمینی (قدس سره)، ( ۱۴۱۵ هـ ق) كتاب البيع، الطبعة الخامسة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- جدی الهیتی، عبدالرزاق رحیم، (۱۹۹۸ م) المصارف الاسلامیة بین النظریة و التطبيق، الطبعة الاولى، الاردن، عمان، داراسامة للنشر.
- شابرا، محمد عمر، (۱۴۱۰ هـ ق، ۱۹۹۰ م) نحو نظام نقدي عادل، المترجم الى اللغة العربية، سيد محمد سكر، الطبعة الثانية، أمريكا، المعهد العالمي للفكر الاسلامی.
- صدر، سيد محمد، (۱۴۱۶ هـ ق، ۱۹۹۵ م) ماوراء الفقه، الطبعة الاولى، لبنان، بيروت، دارالاضواء.
- عبدالحمید، عاشور عبدالجواد، (۱۴۱۷ هـ ق) النظام القانوني للبنوك الاسلاميه، الطبعة الاولى، المعهد العالمي للفكر الاسلامی.
- عبدالعظیم، حمدی، (۱۴۱۷ هـ ق، ۱۹۹۶ م) دراسات الجدوى الاقتصادية في البنك الاسلامی، الطبعة الاولى، القاهرة، المعهد العالمي للفكر الاسلامی.
- علامه طباطبائی، (۱۳۹۳ هـ ق، ۱۹۷۳ م) الميزان فی تفسير القرآن، الطبعة الثالثة، لبنان، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- عوض، علی جمال الدين، عمليات البنوك من الوجهة القانونية، قاهره، دارالنهضة العربية.
- فخر المحققين، ابن العلامة، (۱۳۸۷ هـ ق) ايضاح الفوائد، تحقيق از کرمانی و اشتهاړدی و بروجردی، قم، مطبعة العلمية.
- قحف، منذر، (۱۴۱۲ هـ ق، ۱۹۹۱ م) مفهوم التمويل في الاقتصاد الاسلامی، الطبعة الاولى، العربية السعودية، البنك الاسلامی للتنمية، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب.

- قلعای، (١٤١٨ هـ.ق، ١٩٩٨ م) غسان، المصارف الاسلامیة، ضرورة عصریة، لماذا...؟ و كيف...؟، الطبعة الاولى، سوریه، دمشق، دارالمکتبی.
- متولی، ابوبکر الصدیق عمر، شحاته، شوقی اسماعیل، (١٤٠٣ هـ.ق، ١٩٨٣ م) اقتصادیات النقود فی اطار الفكر الاسلامی، الطبعة الاولى، القاهرة، مکتبة وهبة.
- محمد، یوسف کمال، (١٤١٦ هـ.ق، ١٩٩٦ م) المصرفیة الاسلامیة، السیاسة النقدیة، الطبعة الثانية، مصر، القاهرة، دارالنشر للجامعات.
- موسوعه الفقه الاسلامی، المعروفه بموسوعه جمال عبدالناصر الفقهیه، مصر، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.
- یسری احمد، عبدالرحمن، (١٤١٨ هـ.ق، ١٩٩٨ م) دراسات اقتصادیه اسلامیه فی النقود و الفوائد و البنوک، الاسکندریة، الدار الجامعیة.
- مجلات، جزوات و مقالات عربی
- آل محمود، عبداللطیف محمود، بیع الدین، (١٤١٩ هـ.ق، ١٩٩٨ م) منظمه المؤتمر الاسلامی، مجمع الفقه الاسلامی (جده)، الدورة الحادیة عشره، البحرین، المنامة.
- التسخیری، محمد علی، عندلیب، علی، (١٤١٩ هـ.ق، ١٩٩٨ م) التعامل بالدیون عند الامامیة، منظمه المؤتمر الاسلامی، مجمع الفقه الاسلامی (جده)، الدورة الحادیة عشره، البحرین، المنامة.
- الزرقا، محمد انس، القرى، محمد علی، (١٤١١ هـ.ق، ١٩٩١ م) التعویض عن ضرر المماطله فی الدین بین الفقه و الاقتصاد، مجله جامعه الملك عبدالعزيز، الاقتصاد الاسلامی، م ٣، صص ٥٧ - ٢٥.
- العثمانی، محمد تقی، (١٤١٩ هـ.ق، ١٩٩٨ م) بیع الدین و الاوراق المالیة و بدائلها الشرعیة، منظمه المؤتمر الاسلامی، مجمع الفقه الاسلامی (جده)، الدورة الحادیة عشره، البحرین، المنامة.

- القرى بن عيد، محمد على، (۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م) بيع الدين و سندات القرض و بدائلها الشرعية فى مجال القطاع العام و الخاص، منظمة المؤتمر الاسلامى، مجمع الفقه الاسلامى (جده)، الدورة الحادية عشرة، البحرين، المنامة.
- تسخيرى، محمد على، ( شوال - ذوالحجة ۱۴۱۵ هـ ق) الودائع المصرفية تكييفها الفقهى و احكامها، رسالة الثقلين، العدد الثانى عشر، السنة الثالثة، صص ۵۱ - ۳۶.
- حائرى، آيت الله سيد كاظم، (شوال - ذوالحجة ۱۴۱۴ هـ ق) الاوراق المالية الاعتبارية، رسالة الثقلين، العدد الثامن، السنة الثانية، صص ۴۰ - ۲۵.
- حائرى، آيت الله سيد كاظم، ( محرم - ربيع الاول ۱۴۱۵ هـ ق) الاوراق المالية الاعتبارية، رسالة الثقلين، العدد التاسع، السنة الثالثة، صص ۱۰۵ - ۹۳.
- حماد، ا.د. ( ۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م) نزيه كمال، بيع الدين، احكامه، تطبيقاته المعاصرة، منظمة المؤتمر الاسلامى، مجمع الفقه الاسلامى (جدة)، الدورة الحادية عشرة، البحرين، المنامة.
- حمود، سامى حسن، (۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م) بيع الدين و سندات القرض و بدائلها الشرعية فى مجال القطاع العام و الخاص، منظمة المؤتمر الاسلامى، مجمع الفقه الاسلامى (جده)، الدورة الحادية عشرة، البحرين، المنامة.
- سلامة، عابدين احمد، (۱۴۰۴ هـ ق، ۱۹۸۴ م) الحاجات الاساسية و توفيرها فى الدولة الاسلامية، مجلة ابحاث الاقتصاد الاسلامى، العدد الثانى، المجلد الاول، صص ۳۷ به بعد.
- شابرا، محمد عمر، (۱۴۰۴ هـ ق، ۱۹۸۴ م) النظام النقدى و المصرفى فى اقتصاد اسلامى، مجلة ابحاث الاقتصاد الاسلامى، العدد الثانى، المجلد الاول، صص ۳۶ - ۱.
- "**Judgement on interest (Riba)**", (1995) Islamic Economics Translation Series, No: 8, Jeddah, Islamic Development Bank.
- Ahmad, Ausaf, (1997) "**Towards an Islamic Financial Market**", Research Paper, No: 45, Jeddah, Islamic Development Bank.

- Allays, Maurice,( 1413 H, 1993) "*The monetary conditions of an economy of markets, from the teachings of the past to the reforms of tomorrow*", First edition, Jeddah, Islamic research and training institute, Islamic Development Bank.

- Eatwell, John, Milgate, Murray, Newman, Peter, (1998)"*the New Palgrave, a Dictionary of Economics*", London, the Macmillan Press Limited,.

- EL - Ghazali, Abdel Hamid, (1994) "*Profit Versus bank interest in economic analysis and Islamic Law*", Islamic Economics Translation Series, No: 2, Jeddah, Islamic Development Bank.

- Haron, Sudin, (1997) "*Islamic Banking Rules & Regulations*".

- Kahf, Monzer, Tariqullah Khan, (1413 AH, 1992 AD) "*Principles of Islamic Financing*", Research Paper, No: 16, Jeddah, Islamic Development Bank.

- Newman, Peter, Milgate, Murray, Eatwell, John, (1992) "*the New Palgrave, Dictionary of Money & Finance*", London, the Macmillan Press Limited,.

- Pande, G. C., Mithani, D. M., (1990) "*Encyclopedia, Dictionary of Economics*", New Delhi, Anmol Publications,.

- Tariqullah, Khan,(1995) "*Redeemable Islamic Financial Instruments and capital Participation in enterprises*", Research Paper, No: 29, Jeddah, Islamic Development Bank.

مجلات، جزوات و مقالات انگلیسی

- Abu Saud, Mahmud, Money, "***Interest and Quid Studies in Islamic Economics***", Jeddah, King Abdul Aziz University, PP: 59 - 84.
- Ahmad, Ziauddin, (1994) "***Islamic Banking: State of the art***", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 2, No: 1, PP: 1 - 30.
- AL - Jarhi, Mabid Ali Muhamed Mahmoud, "***The relative efficiency of Interest - Free monetary economics: The fiat money case***", Studies in Islamic Economics, Jeddah, King Abdul Aziz University, PP: 85 - 117.
- Ali, Manzoor, "***Islamic Banking and Finance in theory and Practice***", Seminar Proceedings Series, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, PP: 343 - 357.
- Ariel, Robert, (1998) "***Risk adjusted discount rates and the present value of risky costs***", Financial Review, Vol: 33, Iss: 1, PP: 17 - 29.
- Chapra, Muhammad umer, (1996) "***Monetary management in an Islamic Economy***", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 4, No: 1, PP: 1-34.
- Choudhry, Nurun N., Mirakhor, Abbas, (1997) "***Indirect instruments of monetary control in an Islamic Financial System***", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 4, No: 2, PP: 27 - 65.
- Glaeser, Edward L., Scheinkman, Jose, (1998) "***Neither a borrower nor a Lender be: An economic analysis of interest***

*restrictions and usury laws*", Journal of Law & Economics, Vol: 41, Iss: 1, PP: 1-36.

- Homoud, Sami Hasan, (1994) "**Progress of Islamic Banking: The aspirations and the realities**", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 2, No: 1, PP: 71 - 80.

- M. Fahim Khan, (1994) "**Comparative economics of some Islamic Financing Techniques**", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 2, No: 1, PP: 40 - 58.

- Mirakhor, Abbas, (1996) "**Cost of capital and investment in a Non - Interest Economy**", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 4, No: 1, PP: 35 - 45.

- Mohsin S. Khan, "**Principles of Monetary theory and Policy in an Islamic Framework**", Seminar Proceedings Series, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, PP: 323 - 335.

- Mohsin S. Khan, Mirakhor, Abbas, (1414 AH, 1994 AD) "**Monetary Management in an Islamic Economy**", Journal of KAU: Islamic Economics, Vol: 6, PP: 3 - 22.

- Pearce, Douglas K, (1993) "**Discount Window Borrowing and Federal Reserve Operating regimes, Economic Inquiry**", Vol: 31, pp: 564 - 579.

- Saadallah, Ridha, (1994) "**Concept of time in Islamic Economics, Islamic Economic Studies**", IDB (Islamic Development Bank), Vol: 2, No: 1, PP: 81 - 102.

- Shaffer, Sherrill, (1998) "**Capital requirements and rational discount - window borrowing**", Journal of Money, Credit & Banking, Vol: 30, Iss: 4, PP: 849 - 863.

- Shajari, H., Kamalzadeh, M., (1995) "***The interest rate and Islamic Banking***", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 3, No: \_1, PP: 115 - 122.
- Siddiqi, Muhammad Nejatullah, "***Banking without interest***",(1984)Journal of Research in Islamic Economics, Vol: 1, No: 2, PP: 87 - 93,.
- Siddiqi, Muhammad Nejatullah, "***Issues in Islamic Banking***", (1983) Journal of Research in Islamic Economics, Vol: 1, No: 1, PP: 60 - 72.
- Uzair, Muhammad, "***Some conceptual and practical aspects of Interest - Free Banking***", Studies in Islamic Economics, Jeddah, king Abdul Aziz University, PP: 37 - 57.
- Wilson, Rodney, "***Development of financial instruments in an Islamic Framework***", Islamic Economic Studies, IDB (Islamic Development Bank), Vol: 2, No: 1, PP: 103 - 110.
- Zineldin, Mosad, (1414 AH, 1994 AD) "***The economics of money and banking: A theoretical and empirical Study of Islamic Interest - Free Banking***", Journal of KAU: Islamic Economics, Vol: 6, PP: 43 - 46.
- Abdouli, Abdelhamid, "***Access to finance and collaterals: Islamic versus western banking***",(1411 AH, 1991 AD) Journal of Research in Islamic Economics, Vol: 3, PP: 57 - 64.